

تجمعات اعتراضی بازنشستگان در شهرهای ایران



شمار زیادی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران در اعتراض به وضعیت سخت معیشتی خود در برابر سازمان تأمین اجتماعی تهران و چندین شهر دیگر دست به اعتراض زدند. اسماعیل گرامی، فعال بازنشسته روز گذشته در منزلش بازداشت شد.

در ۱۵ شهر ایران روز یکشنبه ۱۵ فروردین بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی برای احقاق خواسته‌های خود در برابر شعبات سازمان تأمین اجتماعی دست به تجمع زدند.

بر اساس تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافته، بازنشستگان و مستمری‌بگیران روز یکشنبه ۱۵ فروردین در شهرهای تبریز، اراک، شوش، مشهد، سنج، شوشتر، قزوین، اردبیل، اصفهان، گرگان،

ایلام، کرمان، نیشابور، رشت، شیراز دست به تجمعات اعتراضی زده‌اند.

این بازنشستگان طی سه ماه گذشته بارها به خیابان آمدند و خواستار افزایش حقوق بازنشستگی خود بر اساس سبد معیشت و نسبت به تورم حاکم بر اقتصاد کشور شده‌اند. کمیته مزد شورای عالی کارگری اسفند سال گذشته مبلغ سبد معیشت را ۶ میلیون و ۸۹۵ هزار تومان تعیین کرده است.

مصطفی سالاری، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی شنبه ۱۴ فروردین در یک نشست خبری از افزایش حقوق بازنشستگان کارگری با سی سال سابقه کار و پرداخت بیمه به چهار میلیون و ۲۰۰ هزار تومان خبر داد. این مبلغ البته تنها به بازنشستگانی پرداخت می‌شود که دو فرزند دارند. دریافتی سایر بازنشستگان که سابقه بیمه کمتر دارند و یا فرزند ندارند کمتر از چهار میلیون تومان خواهد بود.

تا پیش از افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی در سال جاری که قرار است از فروردین امسال اعمال شود، دریافتی ۶۵ درصد بازنشستگان کارگری دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بود و میانگین دریافتی مستمری‌بگیران کارگری ماهیانه سه میلیون و ۱۰۰ هزار تومان. حالا با اجرای مرحله دوم "همسان‌سازی" قرار است میانگین دریافتی بازنشستگان به سه میلیون و ۹۰۰ هزار تومان افزایش یابد.

بازنشستگان تامین اجتماعی اما خواستار افزایش مستمری‌ها بر اساس هزینه معیشت هستند. کمیته مزد شورای عالی کارگری اسفند سال گذشته مبلغ سبد معیشت را ۶ میلیون و ۸۹۵ هزار تومان تعیین کرد. در نهایت اما اعضای شورای عالی کار حاضر به افزایش حداقل دستمزد بر اساس سبد معیشت نشدند و تنها حداقل دستمزد برای کارگران بدون سابقه ۳۹ درصد و برای سایر سطوح مزدی ۲۶ درصد افزایش یافت؛ رقمی که شکاف درآمد و هزینه کارگران و بازنشستگان را از آنچه که هست بزرگ‌تر می‌کند.

بازنشستگان معترض در کرج شعار دادند: "تنها راه رهایی از سفره‌های خالی فریاد در خیابان"، "ما دیگه رای نمی‌دیم، از بس دروغ شنیدیم". تجمع‌کنندگان در تهران هم شعاری مشابه سر دادند.

در ویدیوی دیگری که از تجمع تهران منتشر شد، معترضان با کوبیدن به قابلمه‌ها به سفره خالی خود اشاره می‌کردند و شعار می‌دادند: "خیلی دروغ شنیدیم/ ما دیگه رای نمی‌دیم"

بازنشستگان معترض در رشت خواستار استعفای سالاری، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی شدند و علیه او شعار دادند. در یک ویدیوی کوتاه که در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافت، شعار "سالاری حیا/کن/ تامین اجتماعی را رها کن" و "تامین اجتماعی/چرا دشمن مایی" به گوش می‌رسید.

بازنشستگان همچنین خواستار رفع تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگی میان بازنشستگان تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگان لشکری و کشوری هستند.

دستگیری یک فعال بازنشسته

اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته و فعال مستقل دیروز شب ۱۴ اردیبهشت توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی بازداشت و به شعبه ۲ بازپرسی اوین منتقل شد.

به گزارش کانال تلگرامی اتحاد بازنشستگان، بازداشت‌کنندگان که حکم جلب همراه با بازرسی منزل در دست داشتند، لوازم شخصی از جمله پنج دستگاه موبایل اعضای خانواده را با خود بردند.

ماموران خواستار لغو بیانیه تجمع امروز ۱۵ فروردین در جلوی سازمان تامین اجتماعی شدند.

خانم روحزاد همسر اسماعیل گرامی درخواست همراهی با همسرش را داشت که ماموران از همراه بردن وی خودداری کردند.

ویدئویی از تجمع بازنشستگان در تهران و شهرستان های ایران

برگرفته از سایت دویچه وله فارسی - 4 آوریل 2021

نگاهی به مبارزات رهایی بخش شهروندان



فرامرز دادور

تاریخ، همواره اندیشه های گوناگون در راستای رهایی به جامعه انسانی فارغ از استثمار و ستم اجتماعی مطرح گشته اند. در این نوشته کوتاه به اعمال شیوه مدیریت اشتراکی در حیطه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی بسوی سوسیالیسم پرداخته میشود. در میان این سری از تئوری پردازان میتوان به موری بوکچین اشاره نمود. در

سالهای 80 از سوی وی ایده "شهروندی رهائی بخش"، متاثر از دمکراسی مستقیم و پیشرفت اکولوژیک مطرح گشت. وی در انتقاد از مارکسیسم و آنارشیزم بر آن بوده است که خطای مهلک سرمایه داری نه فقط در استثمار طبقه کارگر بلکه در وجود تضاد با محیط زیست میباشد. این نگاه اجتماعی فرموله شده از سوی وی و سپس استقبال بوسیله برخی دیگر عمدتاً مدافع ایجاد تجمع های اقتصادی/اجتماعی دمکراتیک و غیر هیرارشیک مردمی برای دخالت مستقیم در اداره خردمندان و متاثر از ارزشهای محیط زیست جامعه، بدور از دخالت سیاسیون حرفه ای میباشد. طبق نظر بوکچین، در مقایسه با برنامه چپ سنتی (کمونیستها، آنارشیزتها و سندیکالیستها) که خیزش پرولتاریا جهت نابودی حکومت سرمایه داری را ترویج میکنند، توصیه میشود که از هم اکنون قبل از شکلگیری قیام همگان برای ایجاد تغییرات رادیکال، مناسبتر است که در نظام موجود، بر مبنای "قدرت دوگانه" و برای "تو خالی نمودن" قدرت دولت موجود، نهاد های خلقی مانند "انجمنهای توده ای" و "کمیته های محلی" به مثابه بدیل های مردمی برپا گشته و در انتخابات شهری و محلی شرکت گردد. بدین خاطر، فعالیتهای سیاسی به حیطه مدنی و نهادهای دمکراتیک گسیل گردند تا در مسائل عمومی و اجتماعی مدیریت مردمی برقرار گردد.

در امریکا در دهه های اول قرن بیست در برخی شهر ها، شهرداران سوسیالیست انتخاب شده بودند و برای مثال در شهر میلواکی تا 1960 این روند ادامه یافت. البته، موانع زیادی در مقابل روند مبتنی بر شیوع روابط رادیکال و دمکراتیک شهروندی وجود دارند و میتوان از جمله به مقاومت سیاسی و قهر آمیز از سوی صاحبان ثروت و مدافعان سرمایه اشاره نمود. نمونه های تاریخی دمکراسی مستقیم در کمون پاریس در سال 1871 که بعد از هفتاد و دو روز به سرکوب خونین دچار گشت و سرکوب وحشیانه حکومت دمکراتیک سوسیالیستی در وین بین سالهای 1919 و 1934 نمایان وجود تعرضات سهمگین از طرف حاکمان ارتجاعی میباشد. در شهر نیویورک جنبش کارگری موفقیت های شایسته ای حاصل نموده بود و تنها بعد از مهاجرت سفید پوستان مرفه به حومه های شهر، روند صنایع زدایی و سیاست های ریاضت کشانه در سالهای 70، سلطه سرمایه های انحصاری و آسیبهای ستمگرانه اجتماعی ناشی از آنها بود که اوضاع برای توده های زحمتکش و محروم وخیمتر شد.

در رابطه با امکان توانمندی در جنبشهای مردمی، در سالهای اخیر برخی از فعالان چپ و مترقی در صدد بوده اند تا با افزایش قدرت

توده ها در محیطهای محلی، بسوی ایجاد تغییر تدریجی رادیکال مناسبات اجتماعی در سطح گسترده تر جامعه حرکت کنند. گفته میشود که دوران فعلی به «فعالیت‌های مدنی» تعلق دارد و شواهد نشان میدهند که گروه های پیشرفته، بویژه مدافعان سوسیالیست مشخصا در راستای تلاش در جهت ارتقاء حقوق دمکراتیک و بهبودی اقتصادی مردم و از جمله کارگران، زنان و مهاجران مبارزه میکنند. امروزه در شهرهای سیاتل، جکسون، شیکاگو، فیلادلفیا و ریچموند تعداد قلیلی از مدافعان عدالت اجتماعی به مقامات محلی انتخاب شده اند (منبع: فرایند شهروندی، آریک فرمان، ایلیا گران و سیکستاین ون اوتری، نشریه انترنتی زی تابستان 2020). در کشورهای دیگر نیز در راستای مداخله فعالان مردمی در امور اداری، محلی تحولات مثبت رخ داده است. مثلا در شیلی شهر رکولتا، تحت مدیریت یک شهردار سوسیالیست، موسسات تعاونی و آموزش و درمان مجانی گشوده شده است.

در اسپانیا شهر بارسلونا، بعد از شکلگیری جنبش زحمتکشان و محرومان تحت نام ایندیگنادوز (Indignados) در روز 15 ماه مه 2011 که سپس لقب 15M یافت که بر اساس تاریخ شروع انسجام وسیع آن بود، حرکت‌های اعتراضی در جهت تصرف دمکراتیک نهاد های محلی حکومتی آغاز گشت. حرکت سیاسی "بارسلونا در اشتراک" (Barcelona in Common)، به مثابه یک پلاتفرم عمومی برای تصمیمگیری جمعی توده ها پدیدار گشت. این فرایند شهروندانه در بارسلونا طی 4 سال توانست که بیش از 2000 اپارتمان غیر قانونی توریستی را تعطیل نماید، صاحبان بزرگ آپارتمانها را جریمه نماید و کمپانی عمومی متناسب با وضعیت اقتصادی جمعیت محلی احداث نماید. سپس کلینیک عمومی دندانپزشکی و اولین کانون شهری همجنس گرایان دائر گشت و همچنین یک تعاونی برای موسسات مهاجران سازماندهی گردید. بعلاوه، 30 درصد از ساختمان های جدید ملزم به وجود انجمن های محلی به نام کمیسیون های مردمی شدند. برای نمونه در شهر بارسلونا، شهردار چپ رو، ادا کالو و طیف مدافعان راهکار شهروندی بسوی سوسیالیسم بر اساس ایجاد رابطه دینامیک بین روشهای مبتنی بر موازین اداری شهرداری و تحرکهای سیاسی از جانب جنبشهای مردمی علیه برنامه های نئولیبرالیزم و در راستای تعمیق دمکراسی رادیکال عمل میکنند.

در امریکا شهر جکسن (ایالت می سی سی پی)، شهر دار متری آن چوکوی انتار لومومبا، متاثر از ایده های طرح شده از جانب جنبش توده ای ملکم ایکس و همچنین سازمان مردم آفریقایی جدید توانست که به توسعه اقتصاد تعاونی و همبستگی آور پرداخته، دمکراسی مشارکتی را تقویت

کند. این حرکت عدالت جویانه در واکنش به تبعیضات اجتماعی تاریخی ناشی از الگوی ضد زحمتکشان و محرومان بود که عمدتاً علیه سیاهان و اقلیتهای غیر سفید پوست شکل گرفته بود. در بعد از جنگ دوم جهانی اقشار مرفه (اغلب سفید پوست) از مرکز شهر به حومه های مرفه مهاجرت نمودند که باعث افت شدید منبع مالی حاصل از جمع آوری مالیات شده به وخامت شدید سطح زندگی در بیشتر مناطق در شهر های بزرگ انجامید. فضای نژادپرستانه در می سی سی پی به ناگواری های زیاد و از جمله سرکوبهای نامشروع پلیسی برای اکثریت مردم انجامید که یکی از پیآمدهای آن افزایش تعداد زندانیان از 2896 در سال 1978 به 22319 نفر در 2012 بود.

در این شهر مانند برخی از مناطق دیگر در آمریکا برای مقابله با سیاستهای ریاضت بخش و ضد کارگری، حرکت های مردمی در راستای تقویت قدرت مستقل سیاسی و اقتصادی با هدف انتقال تجربیات و دستاوردهای محلی به ارگانهای وسیعتر در سطح جامعه شروع گشت. در جکسن، بر روی مجرای جنبش برای تحقق حقوق مدنی، مداخله توده ای در فعالیتهای اداری شهرداری به یک تاکتیک سیاسی تبدیل گشت. به گفته کالی اکونو، یکی از بنیان گزاران "کورپوریشن جکسن" استراتژی افزایش مشارکت در امور اداری شهرداری عمدتاً جهت استفاده از قدرت سیاسی محلی در راستای دستیابی به سرمایه برای تعاونیهای کارگری و ایجاد اقتصاد اجتماعی متأثر از همبستگی مردمی بود (منبع: فرایند شهروندی). در این رابطه، تا سال 2010، فعالان اجتماعی در جکسن "مجلس مردم" را با شرکت 300 عضو تشکیل دادند. چاکوی لومومبا ابتدا بعنوان عضو شورای شهر و سپس در 2013 شهردار جکسن انتخاب گردید و بلافاصله به اقدامات متریقی دست زد. سپس فرزند وی پوکو انتار لومومبا در سال 2017 به مقام شهردار انتخاب شد و هم اکنون با استفاده از مدل تعاونی ماندراگون در اسپانیا، سعی شده است تا تعاونی های کارگری و از جمله تعاونی جکسون تشکیل گردد که البته با موانع بیشمار بخصوص از سوی صاحبان سرمایه و تفکرات نژاد پرستانه بخشی از جمعیت روبرو است که میتوان آنرا از جمله معضلات اجتماعی قلمداد نمود.

در واقع بارسلونا و جکسون، دو شهر در دنیای مدرن سرمایه داری هستند که کنشگران متریقی و مدافع عدالت اقتصادی تحت عنوان فرایند شهروندی در راستای نیل به سوسیالیسم تلاش میکنند. عیان است که در جوامع پیشرفته شهرهای متروپل محل درگیری مردم با مسائل بیشمار زندگی اجتماعی بشمار میرود و به گفته دیوید هاروی مراکز اولیه

برای ایجاد سوسیالیسم میباشد. البته مشکلات فراوان هستند و از جمله اینکه مقامات بالا سنگ اندازی نموده و سرمایه ها طبیعتاً شدیداً مخالف بوده و با توسل بر سیاستهای مالی و تبلیغات منفی فرهنگی همواره میخواهند از تحولات بنیادی دمکراتیک و عدالت جویانه جلوگیری میکنند. اما این بخش از کنشگران آزادیخواه و برابری طلب اجتماعی با این دیدگاه که بجای محدود نمودن حرکتهای سیاسی به عمل شرکت در انتخابات هرچند سال یکبار، موثرتر است که با اتخاذ استراتژی شهروندی رهایی بخش و برروی توانمندتر نمودن مشارکت مستقیم توده ای در تعمیق دمکراسی و عدالت اقتصادی و اجتماعی دخالت داشته باشند.

علاوه بر جریان‌ات مترقی در کشورهای پیشرفته غربی، از سوی گروه‌های سیاسی در برخی از کشورهای رشد یابنده نیز این گونه حرکتهای مدافع خود گردانی شروع شده است. برای مثال بعد از وقوع تجاوزات امپریالیستی و تعرض‌های قدرتهای ارتجاعی منطقه مانند رژیمهای اسرائیل، ترکیه، ایران و عربستان در خاورمیانه، بخصوص در اوایل قرن 21 و سپس شروع خیزش‌های مردمی علیه جنگ، اشغالگری و استبداد، بویژه در 2011 تحت نام "بهار عربی" و در مقابل سیاستهای رژیم‌های دیکتاتور از جمله حکومت بشار اسد در سوریه علیه توده‌ها، باعث شد که در مقابل گرایشهای عقب‌گرای مذهبی در بین اقلیتی از مردم و از سوی دیگر تبلور مبارزات دمکراتیک و رهایی بخش در بین بخش بزرگتری از مردم و از جمله در مناطق کردنشین تقویت گردد. در کردستان سوریه، تحولات دمکراتیک بدینگونه بوده است که حزب کارگران انقلابی کردستان ترکیه (پ. ک. ک.) تحت هدایت رهبر خود عبدالله اوجلان که در زندان بسر میبرد، با صرف نظر کردن از مبارزه برای ایجاد یک کردستان مستقل، در عوض تحت عنوان "کنفدرالیسم دمکراتیک" در راستای شکل‌گیری خود حکومتی‌های دمکراتیک مردمی در کل جامعه ترکیه کوشش نماید.

کنفدرالیسم به شبکه‌ای از شوراهای مدیریت گفته میشود که اعضا یا نمایندگان آنها از سوی انجمن‌های دمکراتیک در میان شهرها، روستاها و محلات بزرگ انتخاب میگرددند. برای مثال در منطقه رژووا (شمال سوریه) دمکراسی نسبی مستقیم برقرار شده است و در دیاربکی (شرق ترکیه) 13 بخش از شهر دارای شورا هستند و در درون بخشها نیز شوراها و کمیته‌های محلی وجود دارند و در واقع قدرت مدیریت در منطقه بطور افقی توزیع گردیده است.

اینگونه حرکتهای دمکراتیک توده‌ای و خود-مدیریتی در برخی از

مناطق کرد نشین با روند تحولات در بارسلونا، بویژه در 1936 و زاپاتیستها در چیاپس (مکزیک) در سالهای 1990 قابل قیاس. میباشد. شکل گیری کنفدراسیونی از خود-حکومتهای سازمان یافته که از مرزهای ملی، مذهبی و اتنیک عبور کند و بر مجرای نهاد های محلی، بویژه مجالس شهری و منطقه ای به تقویت "اقتصاد شهروندی" پردازد بهتر قادر است که با تجاوزات امپریالیستی، سرکوبهای ارتجاع داخلی و ستمهای سرمایه داری مقابله نماید.

البته شکی نیست که استراتژی "شهروندی رهائی بخش" میتواند در مناطق گوناگون جهان متفاوت باشد. بنظر میرسد که در کشورهای دارای آزادیهای نسبی دمکراتیک، بسیاری از کنشگران مدافع عدالت اقتصادی و اجتماعی در حین شرکت در اعتراضات و تظاهرات خیابانی و از جمله اتکاء به اقدامات مسالمت آمیز آکنده از نافرمانی مدنی، همچنین در انتخابات برای نهادهای سیاسی محلی مانند شهرداری، شورای شهر و هیئت مدیره مدارس مشارکت میکنند. در عین حال در این جوامع بر مبنای استراتژی قدرت دوگانه و ایجاد نهاد های توانمند مردمی در قالب شوراهای و انجمن های عمومی، تحولات تدریجی و بر روی مسیر ترکیبی از شرکت در سیاستهای دمکراتیک انتخاباتی در چارچوب نظام حاضر و همچنین به موازات آن، قدرتمند تر نمودن عرصه عمومی به نفع توده های زحمتکش و محروم صورت میگیرد، همانطور که در بارسلونا و جکسن انجام گرفته است.

اما در جوامع مستبد سیاسی مانند ایران که هرگونه فعالیت مسالمت آمیز برای دگر اندیشان سرکوب میگردد، طبیعی است که حرکتهای سیاسی مردمی خصلت انفجاری یافته، بخود مشخصات شورش و قیام مانند خیزشهای دی ماه 96 و آبان ماه 98 بیابند. نکته عمده این است که متأسفانه بخاطر تداوم سرکوبهای حکومتی علیه هرگونه انتقاد و مقاومت حق طلبانه، امکانات زیادی برای اتخاذ شیوه دمکراتیک مبارزه در راستای تعمیق دمکراسی و عدالت اقتصادی و اجتماعی دیده نمیشود. علت اصلی آن در این است که رویکرد به استفاده از کنشها و تلاشهای عمومی به موازات نهاد های حکومتی در راستای ایجاد توانمندی مردمی، عمدتاً مشروط به وجود سطحی از آزادیهای دمکراتیک میباشد. این درجه در ایران بسته است اما بهرحال دیده میشود که بخشهایی از فعالان در جنبشهای مردمی به اشکال محدود در حیطه فعالیتهای صنفی و معیشتی به حرکتهای معینی دست میزنند. مثلاً کانون نویسندگان، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، کانون صنفی معلمان، اتحاد بازنشستگان، سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه،

سندیکای اتوبوسرانی تهران و حومه و کانون مدافعان حقوق کارگر توانسته اند که در عین افشاگری از وجود ناهنجاریهای عظیم اقتصادی و اجتماعی، حداقل رگه هایی از وجود علائم کنشگری آزادیخواهانه . عدالتجویانه را در میان فعالان و عموم مردم به معرض نمایش بگذارند.

در رابطه با چگونگی عبور از جمهوری اسلامی، جریان‌ات و گروه‌های دمکرات و چپ آزادیخواه با تاکید بر ضرورت تغییر نظام و برقراری بلافاصله دمکراسی، جمهوری و لائیسیت، حرکت سیاسی به سوی ایجاد زمینه های اولیه برای تقویت انسجام عمل در میان فعالان مرتبط با جنبشهای اجتماعی را آغاز نموده اند. در این رابطه، در خارج از کشور جنبش جمهوریخواهان دمکراتیک و لائیک از حرکت های دمکراسی طلبانه، عادلانه و جمهوریخواهانه حقوق بشری در ایران حمایت میکنند. ایده کلی بر این است که با در نظرگیری وجود برداشتهای متفاوت از مقوله "جمهوری" مهم است که بر روی حداقلی از مفهوم آن و مشخصا تعهد به قانون اساسی دمکراتیک و حامل موازین متأثر از آزادیهای عقیدتی/سیاسی و عدالت اقتصادی و اجتماعی شراکت فکری وجود داشته باشد. اینکه در آینده، بعد از پیروزی انقلاب دمکراتیک و استقرار جمهوری لائیک، با توجه به سطح قدرت سیاسی در میان جنبشهای مردمی، قانون اساسی بویژه در رابطه با اشکال دمکراسی و مناسبات اقتصادی، چه سمت و سوی اقتصادی/اجتماعی (ب.م. سرمایه داری یا سوسیالیستی) خواهد داشت در حال حاضر مسئله اصلی نیست. مهم این است که با توجه به وجود بالقوه یک پهنه وسیع از جنبشهای مردمی و امکانا تجمع های سیاسی و اجتماعی فراطبقاتی برآمده از آنها که بخشا به انسجام در جبهه ای دمکراتیک و جمهوریخواه برای برچیدن نظام تمایل دارند، وظیفه ای سترگ در مقابل آزادیخواهان و عدالتخواهان ایران میگذازد. تنها در بعد از پیروزی دمکراسی است که معتقدان به پیشرفت انسانی قادر میشوند در راستای افقهای درازمدت اجتماعی و از جمله بر پایه خط مشی شهروندی رهائیبخش به مبارزه هدفمند ادامه دهند.

فرامرز دادور

30 اکتبر 2020

مسأله مسکن: درد بی مسکنی خانه به دوشان!



بهزاد مالکی

خرداد 1399

الف: هزینه مسکن و رابطه اش با درآمد و سبد هزینه خانواده

بانک مرکزی ایران خلاصه‌ای از نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران در سال 96 را منتشر کرده است که می‌تواند پایه‌ای برای بررسی ما باشد. این گزارش «دخل و خرج» خانوار نمونه را برای سال ۱۳۹۶ به تصویر می‌کشد؛ از یک طرف سطح درآمد متوسط خانوار نمونه و ترکیب منابع درآمدی را روایت می‌کند و از طرف دیگر سطح هزینه‌ها و ترکیب سبد هزینه‌های خانوار نمونه را به شکل کمی ترسیم می‌کند. یکی از متغیرهای مهم در این گزارش، ترکیب سبد مصرفی خانوار است. در یک دسته‌بندی سبد مخارج خانوار نمونه را می‌توان به ۱۲ مورد مهم از جمله «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها»، «پوشاک و کفش»، «مسکن، آب، برق و سایر سوخت‌ها»، «حمل و نقل» و «تفریح و امور فرهنگی» تقسیم کرد. براساس گزارش بانک مرکزی در سال [95] دو گروه «مسکن، آب، برق و سایر سوخت‌ها» و «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها» در مجموع حدود ۶۰ درصد از مخارج خانوار نمونه را تشکیل داده‌اند. به طوری که ابتدا «مسکن، آب، برق و سایر سوخت‌ها» با ثبت سهم ۳۶.۴

درصد و بعد از آن «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها» با ثبت ۲۴.۲ درصد بیشترین سهم را از مخارج خانوار داشته‌اند. سهم نسبی مسکن در بودجۀ خانوار در سال‌های پس از ۱۳۹۶ بازهم افزایش بیشتری یافته به طوری که در سال ۱۳۹۷ سهم گروه مسکن، سوخت و روشنایی ۴۵ درصد هزینه‌ی متوسط خانوار بوده است (تجارت فردا، ۱۳ مهر ۱۳۹۸). با توجه به افزایش شدید اجاره بها و مسکن و زمین در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ می‌توان گفت که هزینه‌ی نسبی مسکن در بودجۀ خانوار، بویژه خانوارهای فقیر و حتی متوسط بازهم بالاتر بوده است؛ بنا به گزارش خبرگزاری مهر (۲۵ خرداد ۱۳۹۹)، در زمستان ۱۳۹۸ با افزایش ۶۶ درصدی قیمت مسکن و افزایش ۴۵ درصدی اجاره بها در مناطق شهری کشور مواجه بوده ایم.

این اعداد و ارقام به خوبی نشان می‌دهد پایین بودن سطح درآمد خانواده‌ها در کنار سیر گرانی‌ها باعث شده هزینه‌های هر خانواده متوسط عمدتاً صرف هزینه‌های بسیار ضروری شود و البته با افت کیفیت هم در بخش مسکن و هم در ترکیب مصرف خوراکی‌ها. از رجوع به اینکه افراد و خانوارها در خانه‌های چند اتاقه زندگی می‌کنند، می‌توان فهمید ویژگی‌های مسکنی که این افزایش قیمت را تحمیل کرده و سبب مصرفی خانوار را تحت تأثیر قرار داده، چگونه است. تقریباً ۵۰ درصد از خانوارها در سه اتاق زندگی می‌کنند. اما نکته جالب توجه این است که مراجع آماری اتاق را به‌عنوان یک چهاردیواری مفروض می‌گیرند. در واقع این ۳ اتاق شامل؛ هال، آشپزخانه و اتاق است و به معنای تعداد اتاق خواب‌ها نیست. متراژ خانه سه اتاقه با این تعریف، چیزی کمتر از ۶۰ متر است که این نشان می‌دهد واحد سطح برای هر فرد در خانواده هم به شدت کاهش یافته و مسکن کوچک‌تر با قیمت بالاتر در سبب مصرفی افراد آمده است. برای همین خانه‌های زیر ۶۰ متر هر خانواده به طور میانگین باید هزینه‌ای بیشتر از میزان حداقل دستمزد صرف کنند؛ به طوری که طبق آمار ثبت‌شده در این گزارش هزینه متوسط هر خانواده در سال ۹۶ برای تامین مسکن ماهانه یک میلیون و ۲۴۴ هزار تومان بوده است.

در این میان، با بررسی سبد هزینه‌ای خانوار می‌توان دریافت هزینه مسکن افزایش پیدا کرده اما سهم هزینه‌های خورد و خوراک تقریباً ثابت مانده، به دلیل اینکه در دهک‌های پایین درآمدی، خورد و خوراک، حداقل است؛ بنابراین عملاً امکان کاستن از هزینه‌های خورد و خوراک وجود ندارد. با اینکه از سهم هزینه‌های خوراکی در سبد مصرفی خانوار کاسته نشده، اما سرانه مصرف اقلام خوراکی حیاتی به شدت

کاهش پیدا کرده است. تأمین هزینه‌های خوراکی در سال گذشته، ۲۳ درصد از مجموع هزینه‌های هر خانواده (به طور متوسط) را به خود اختصاص داده که اگر سلسله آمارها را بررسی کنیم، در دهه ۹۰ تقریباً با یک واحد درصد کاهش یا افزایش ثابت مانده است، اما مقایسه سرانه مصرف کالاهای خوراکی از ابتدای دهه ۹۰ تا پایان سال ۹۶ نشان می‌دهد هر خانوار به طور متوسط برای از پس هزینه‌ها برآمدن، از میزان مصرف خوراکی کاسته است. درحالی‌که در سال ۹۰ هر خانواده به طور متوسط حدود ۱۴۶ کیلوگرم برنج مصرف کرده، این رقم در سال ۹۶ به ۱۰۶ کیلوگرم رسیده است. سرانه مصرفی شیر نیز به شدت کاهش پیدا کرده و از ۱۶۶ کیلوگرم در سال ۹۰ به ۱۲۶ کیلوگرم در سال ۹۶ رسیده است، یعنی هر خانواده به طور متوسط سال گذشته در مقایسه با سال ۹۰ حدود ۴۰ کیلوگرم از مصرف شیر سالانه خود کم کرده است. میزان مصرف سرانه گوشت قرمز خانوارها نیز به نسبت سال ۹۰ حدود ۱۰ کیلوگرم کاهش داشته و میزان مصرف سرانه نان نیز از ۳۵۶ کیلوگرم به ۲۹۸ کیلوگرم رسیده است. تمامی این اعداد و ارقام کاهش یافته نشان‌دهنده تضعیف امنیت غذایی خانوارها در دهه ۹۰ است.

همچنین ترکیب هزینه‌کردن خانوارهای شهری در سال ۹۶ نشان می‌دهد برخی هزینه‌های ثانویه برای پوشش دادن افزایش هزینه اقلام اولیه حذف شده‌اند که در این میان هزینه امور فرهنگی و تفریحی بسیار تأمل‌برانگیز است. هزینه‌های این گروه مصرفی در دهه ۹۰ روند کاهشی را ادامه داده و سهم آن در هزینه‌های خانوارهای شهری به ۱.۹ درصد رسیده است. یعنی هر خانوار شهری ۳.۳ نفره به طور متوسط فقط توانسته ماهانه حدود ۶۰ هزار تومان صرف هزینه‌های فرهنگی و تفریحی کند؛ به ازای هر فرد خانواده ۱۸ هزار تومان.

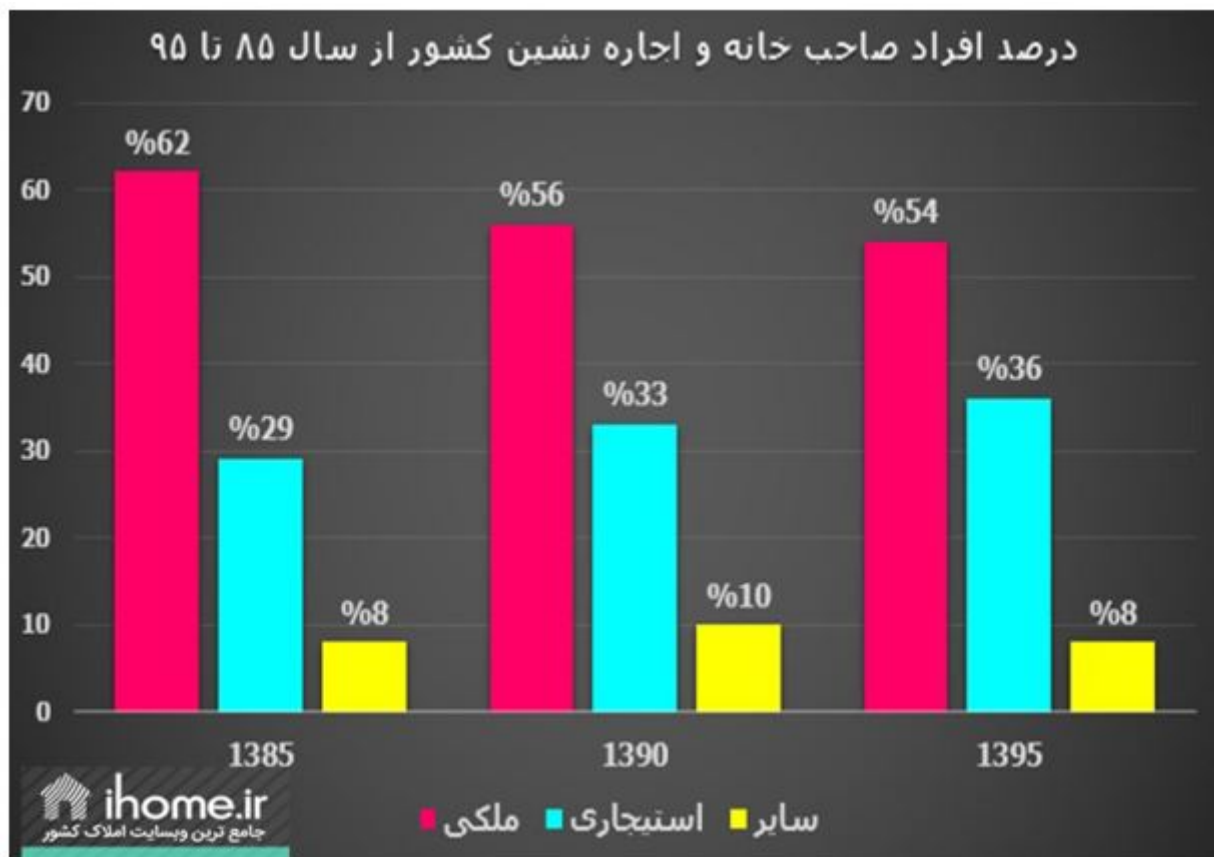
درمجموع آنچه از میان آمار و ارقام گزارش بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و دیگر نهادهای رسمی که البته فقط درباره خانوارهای شهری است و اگر جامعه روستایی را نیز اندازه‌گیری می‌کرد، با آمار بالاتری نیز روبه‌رو بودیم، می‌توان دید، افزایش نابرابری، شکاف بیشتر طبقاتی و سقوط خانواده‌های بیشتری به زیرخط فقر است. با توجه به تورم و گرانی کالاهای مصرفی در ماه‌های اخیر، می‌توان انتظار داشت که این روند با شدت بیشتری تداوم خواهد داشت.

منبع: روزنامه شرق. - باز انتشار در خیزش: khizeschr@



تاریخ انتشار: ۰۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ -

«مرکز آمار ایران روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۹۹ اعلام کرد متوسط اجاره بهای مسکن ۳۱٫۶ درصد افزایش یافته است. این میزان افزایش در دو سال گذشته، بیشترین رشد اجاره بهای مسکن در ایران بوده است. اجاره مسکن بالا می‌رود و درآمد، توان مسابقه با رشد اجاره را ندارد. بالا رفتن میانگین اجاره نسبت به میانگین درآمدها، طبقه متوسط فقیر را هم درمانده کرده تا چه برسد به مردم محروم‌تر. شهرنشینی در ایران همواره با معضل اجاره نشینی همراه بوده است. بر طبق آخرین سرشماری پنج سالانه مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، حدود ۲۵ میلیون خانوار در ایران زندگی می‌کنند و موجودی مسکن کشور کمی بیش از این تعداد یعنی ۲۵ میلیون و ۴۱۲ هزار واحد مسکونی برآورد شده بود. اما در حالی که موجودی مسکن کشور، اندکی بیشتر از تعداد خانوارها است، در حال حاضر حدود ۳۷ درصد از خانوارهای ایرانی را اجاره نشین‌ها تشکیل می‌دهند. این میان، کم‌ترین تعداد مالکیت واحدهای مسکونی در بین استان‌های کشور، به استان تهران اختصاص دارد و این استان پر جمعیت‌ترین و اجاره نشین‌ترین استان کشور است. نزدیک به ۵۰ درصد از جمعیت شهری ساکن در تهران صاحب مسکن نیستند. در شرایط اقتصادی پسا کرونا و پساتحریم‌های اقتصادی، که فشار بیش از قبل بر اقشار متوسط، اقشار متوسط فقیر و فرودستان ایران است.



نرخ تورم در سال ۱۳۹۸ از سوی بانک مرکزی ۴۱٫۲ درصد اعلام شده که ۶ درصد بیشتر از نرخ اعلامی مرکز آمار است. نرخ تورم اقلامی گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در سال ۱۳۹۸ برای کل کشور ۴۲٫۶ درصد بوده است. اما همزمان با رشد تورم، عدد مطلق درآمد خانوار پایین مانده و برخی از گزارش‌ها نشان می‌دهد حدود یک سوم خانوارهای ایرانی درآمد ماهانه کمتر از ۲ میلیون تومان دارند. طبق برخی گزارش‌ها مزد حدود ۷۰ درصد مزد بگیران معادل حداقل دستمزد یا کمتر از آن است ضمن اینکه اکثریت عظیم بیکاران هیچ نوع مستمري یا بیمه بیکاری دریافت نمی‌کنند.

روزنامه همشهری گزارش داده امسال چنان شاخص اجاره‌بها بالا رفته که برای نخستین بار در یک سال اخیر، ضریب افزایش اجاره بها از نرخ تورم هم بیشتر شده است.

افزایش اجاره بهای مسکن در این موقع از سال، معمولاً با جابه جایی و اسباب کشی مستاجران رابطه مستقیمی دارد، چرا که اغلب در اواخر بهار و ماه‌های تابستان این جابه جایی‌ها صورت می‌پذیرد و مالکان در این برهه از سال می‌کوشند اجاره‌ها را افزایش دهند. همین موضوع سبب نگرانی مستاجران برای افزایش اجاره بهای مسکن با توجه به تورم زیاد در بحبوحه بحران شیوع ویروس کرونا شده است. از جمله

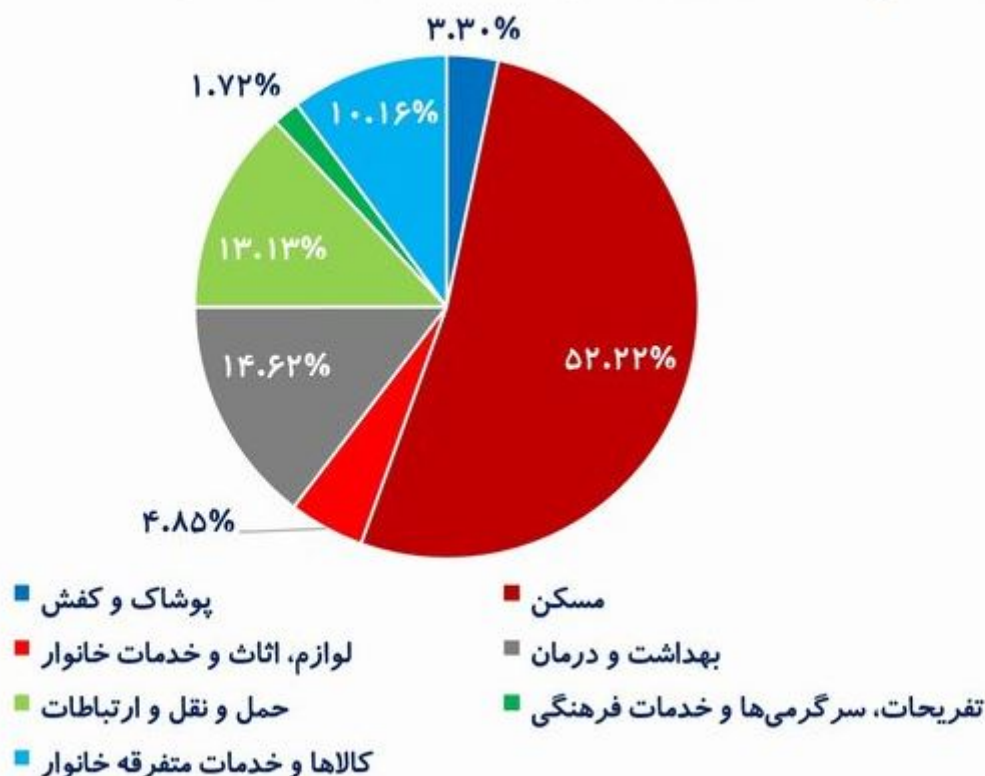
مهم ترین عوامل افزایش قیمت اجاره بها، تورم و افزایش قیمت مسکن است. افزایش تورم، بازار مسکن را دچار تلاطم می کند و تاثیرات این تلاطم در افزایش اجاره بها و افزایش قیمت مسکن نمود پیدا می کند. از اینرو برای مالکان مهم ترین شاخص برای تعیین نرخ اجاره بها میزان افزایش قیمت مسکن و ارزش روز واحد مسکونی است.

در شرایط حال حاضر اقتصادی ایران و تورم روز افزون، اقشار متوسط و متوسط رو به بالا را هر چه بیشتر به سمت فقیرتر شدن سوق می دهد و جمعیت اقشار متوسط فقیر رو به افزایش است.

«شیوع ویروس کرونا تأثیر مستقیمی بر «کاهش تقاضای مصرفی خانوارها ناشی از عدم تمایل خرید (عمدتاً برای بخشهای خدماتی) به دلیل ملاحظات بهداشتی»، «کاهش تقاضای مصرفی خانوارها ناشی از کاهش درآمد (برای خانوارهایی که شغل آنها در این شرایط آسیب دیده است)، «کاهش تقاضای مصرفی خانوارها به خصوص برای کالاهای بادوام و افزایش پس انداز احتیاطی به دلیل نااطمینانی از آینده» و «کاهش صادرات به دلیل ملاحظات بهداشتی کشورهای طرف تجاری» دارد.» - به نقل از : فرزاد صیفی کاران در اقتصاد، کسب و کار وبازار.

چنانچه توان مالی تأمین مسکن خانوارهای شهری در دهک های درآمدی، مورد بررسی قرار گیرد، (نمودار بالا) ملاحظه می شود که دهک میانی بدون کمک های جنبی، توان تأمین مسکن با زیربنای بالاتر از 50 متر مربع را نداشته و دهک های درآمدی پایین هم حتی با کمک های جنبی، قادر به تأمین درآمدی برای تأمین مسکن نیستند. قابل توجه است که عدم توانایی دهک های پایین درآمدی برای تأمین مسکن در طول سال های اخیر افزایش یافته است. در این مورد به مثال زیر توجه کنید: ۱۹ درصد خانوارهای ایرانی ساکن در مناطق شهری، دو نفره هستند؛ دو نفره هایی که بیشترین سهم از دهک اول درآمدی را دارند و می توان گفت جزو کم درآمدترین ها هستند. هزینه های غیر خوراکی سهم بالایی در سبد هزینه زوج های ایرانی دارد، به طوری که حدود ۷۸ درصد هزینه سالانه این خانوارها یعنی بیش از ۲۸ میلیون تومان، در اقلام غیر خوراکی صرف شده است. بیشترین هزینه غیر خوراکی خانوارهای دو نفره، مربوط به گروه «مسکن»، «بهداشت و درمان» و «حمل و نقل و ارتباطات» است. بیش از نیمی از هزینه های غیر خوراکی یعنی حدود ۵۲ درصد، به گروه مسکن تخصیص پیدا می کند. بهداشت و درمان تقریباً ۱۵ درصد و حمل و نقل و ارتباطات، حدود ۱۳ درصد از هزینه های غیرخوراکی خانوار را تشکیل می دهد.

متوسط انواع هزینه‌های غیر خوراکی سالانه یک خانوار شهری ۲ نفره در سال ۱۳۹۷



در سال ۱۳۹۷، زوج‌های ایرانی به طور متوسط بیش از ۱۴ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان بابت مسکن، هزینه کرده‌اند. به طور کلی، مسکن حدود ۴۵ درصد از هزینه‌های غیر خوراکی کل خانوارهای ایرانی را تشکیل می‌دهد، اما این عدد برای خانوارهای دو نفره به بیش از ۵۲ درصد می‌رسد. اگر قیمت مسکن و نرخ اجاره در شهر تهران را در نظر بگیریم، این نسبت چندان دور از ذهن نیست. متوسط قیمت هر متر مربع واحد مسکونی در تهران در اولین ماه پاییز امسال، [۱۳۹۷] ۱۲ میلیون و ۷۲۰ هزار بوده و بیشترین تسهیلات بانکی قابل استفاده برای زوجین، یعنی وام ۱۶۰ میلیون تومانی نیز، سهم قابل توجهی در پوشش هزینه‌های مسکن زوج‌های تهرانی ندارد. این ارقام در حال حاضر با توجه به افت درآمدها و تورم افسار گسیخته و بالا رفتن قیمت خانه و اجاره آن بسیار بالاتر است و بویژه به جرأت می‌توان گفت که در میان درآمد های پائین جامعه یعنی اکثریت آن، هزینه مسکن بیش از ۵۰ درصد هزینه های کل خانوارهای فقیر را تشکیل می دهد.

ب: افزایش قیمت خانه و اجاره بها:

«مقایسه میزان تولید مسکن در سال ۹۸ با سال ۹۲ نشان از افت ۴۳۰ هزار واحدی تولیدات دارد. در حالی که در این مدت علاوه بر رشد جمعیت جوانان زیادی هم تشکیل خانواده داده‌اند و به جمعیت

متقاضیان واقعی مسکن اضافه شده‌اند.» روزنامه کیهان در ادامه مطلب بالا نوشت: «حالا ثمره رویکرد عباس آخوندی در بازار مسکن نمایان شده است، چنانچه مطابق آمار دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی در مردادماه سال ۹۲ که عباس آخوندی از مجلس رأی اعتماد گرفت، متوسط قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در تهران سه میلیون و ۸۳۴ هزار تومان بود که در اسفندماه سال ۹۷ (حدود پنج ماه پس از استعفای آخوندی) با رشد ۱۸۷ درصدی به ۱۱ میلیون تومان افزایش یافته بود.

البته وضع مسکن همچنان در همان حالت باقی مانده (و هنوز برنامه‌های دوره جدید کاملاً عملی نشده) بر همین اساس در اسفند سال گذشته متوسط قیمت مسکن به ۱۵ میلیون و ۶۵۸ هزار تومان افزایش یافت، یعنی ۴۲/۲۳ درصد رشد نسبت به اسفندماه ۹۷. در واقع، افزایش ۴/۵ برابری قیمت مسکن در دوره روحانی، به دلیل بی توجهی به ساخت مسکن بوده است.» [این یکی از دلایل است. یک دلیل مهم دیگر افزایش قیمت زمین و بورس بازی روی زمین است که در جاهای دیگر مقاله ما توضیح داده شده. این بدان معنی است که بخش مهمی از درآمد مردم چه به شکل اجاره‌های بالا و چه به صورت افزایش قیمت زمین - که خود به لحاظ اقتصادی همان اجاره متراکم یا قابلیت اجاره دهی است - به جیب زمینداران سرازیر می‌شود. خود بورس بازی روی زمین، یعنی گرایش سرمایه یا اعتبارات بانکی به سمت زمین بازی، ناشی از بحران اقتصادی و کاهش اعتماد سرمایه گذاران به فعالیت در رشته‌های تولیدی است.]

«همان طور که اشاره شد، در دوره مدیریت جدید هم هرچند ۴۰۰ هزار واحد برای تولید تعبیه شده اما این تعداد هم اثر گذاری چندانی نداشته و جدا از آن، برخی گفته‌های وزیر راه حاشیه‌هایی ایجاد کرد، به عنوان نمونه چند روز پیش وی گفت «هموطنانی که نیازمند خانه هستند و استطاعت خرید خانه در تهران را ندارند، به هیچ عنوان نگران نباشند.» ضمن اینکه آخرین توصیه وزیر مبنی بر اینکه «فعلاً مردم خانه نخرند تا ارزان شود» هم خبرساز شده است.»

هرچند محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی تیر ماه سال گذشته هم راهکار نخریدن را برای بازار مسکن ارائه کرد اما نرخ سالیانه قیمت مسکن حدود ۳۴ درصد بالا رفت. البته پس از راه حل سال قبل اسلامی مبنی بر خرید نکردن که با کاهش معاملات همراه بود قیمت‌ها تا پنج ماه بعد از آن حدود شش درصد کاهش پیدا کرد اما به یک باره در آذر ماه شاهد رشد ۶/۸ درصد قیمت مسکن در تهران بودیم و بازار

روند صعودی خود را آغاز کرد که تا اردیبهشت امسال ادامه یافت.

در واقع راهکار اصلی برای بازگشت آرامش به بازار مسکن افزایش عرضه است؛ در این باره، حاجی دلیگانی، نماینده مجلس اظهار داشت: «در حالی که در سال ۹۷ تولید مسکن ۵۵۰ هزار واحد مسکونی در کشور ساخته شده، این رقم در سال ۸۸ حدود ۸۹۰ هزار واحد مسکن بوده است. این در حالی است که سه میلیون ازدواج عقب افتاده و سالانه ۶۰۰ هزار ازدواج جدید صورت می‌گیرد و باید برای تأمین مسکن آنها سالانه ۱/۲ میلیون واحد مسکونی ساخته شود تا کسری رفع شود.»

خانه از دسترس خارج شد اجاره را دریا بید

وضعیت کنونی بازار مسکن به خوبی نشان می‌دهد که توانایی خرید خانه - با توجه به این قیمت‌ها - از بین رفته است، ضمن اینکه در طول چند سال گذشته رشد اقتصادی نیز منفی بوده و حتی اگر قیمت‌ها افزایش نمی‌یافت باز هم نمی‌توانستیم به قدرت خرید مردم اتکا کنیم. به همین دلیل فشارها در حال حاضر بیشتر به مستاجران آمده است.

همشهری گزارش داده بنا بر سرشماری‌های گذشته از سال ۱۳۸۵ تا ۹۵ ضریب اجاره نشینی در کل کشور ۳۴.۸ درصد و در شهر تهران ۴۲ درصد رشد کرده؛ در حالی که در همین دوره زمانی تعداد کل واحدهای مسکونی کشور ۴۳.۴ درصد افزایش داشته؛ یعنی اگر خانوارها توانایی مالی داشتند، می‌شد اجاره نشینی را کاهش داد؛ اما با ضعیف شدن قدرت خرید طبقات ضعیف تا متوسط ایرانی، بجای افزایش خانوارهای مالک و کاهش اجاره نشین‌ها، خانه‌های خالی بیشتر شده‌اند و برخی خانوارها بیش از یک خانه دارند.

بنا بر این گزارش: روند صاحب خانه شدن مردم ایران طی ۱۰ سال گذشته کاهش یافته است! آمارهای منتشر شده از سرشماری‌های عمومی در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد از تعداد مالکین طی ۱۰ سال حدود ۸ درصد کم شده و به همین میزان بر تعداد مستاجرین اضافه شده است.

بر اساس گزارش اخیر بانک مرکزی، مبلغ اجاره بها در شهر تهران طی اردیبهشت امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۸/۵ درصد و برای کل مناطق شهری ۳۱/۳ درصد رشد داشته است. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۹، متوسط قیمت خرید و فروش یک مترمربع زیربنای واحد مسکونی معامله شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی شهر تهران نزدیک به ۱۷ میلیون تومان بوده است که نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳۳/۹ درصد افزایش نشان می‌دهد.

براین مبنا یکی از نخستین قربانیان افزایش قیمت مسکن، اجاره نشین‌ها هستند که آثار تورم در بازار مسکن را لمس می‌کنند. منبع: کیهان

مسکن: درد بی‌مسکنی خانه به دوشان!

«آرمان‌ملی» درباره گرانی اجاره خانه گزارش داده است: «وضعیت بازار مسکن مدت‌هاست که بهم ریخته و قیمت‌ها در این بازار به صورت ساعتی و بعضاً لحظه‌ای در حال تغییر است، این اتفاق نه تنها کلانشهرها که حتی شهرهای کوچک و تازه تاسیس را هم تحت تاثیر قرار داده و در این میان بسیاری از مردم که مستاجرنند یا قصد خرید خانه دارند را دچار مشکلات جدی تامین منابع مالی کرده است.

این اتفاق بر مشکل دیگری دامن می‌زند و آن این است که مالکانی که نتوانند ملکشان را به فروش برسانند تصمیم به اجاره دادن آن می‌گیرند و مبلغ اجاره را به صورت فزاینده افزایش می‌دهند. در این بین برخی هم هستند که اجاره بها را به عنوان منبع درآمد خود می‌دانند و این عامل، دلیلی می‌شود تا برخی از موجران به مستاجران فشار بیاورند. این وضعیت در شهرهای بزرگی نظیر تهران وخیم‌تر است به این دلیل که جمعیت بالایی از مستاجران را در خود جای داده و با شروع فصل جابه‌جایی که معمولاً از اردیبهشت تا مرداد است، رقابت موجران در جذب مستاجر با توانایی پرداخت اجاره بهای بالاتر آغاز می‌شود.

در کل کشور وضعیت مسکن وخیم شده، ولی در شهری مانند تهران که بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت ساکن دارد و نیمی از این جمعیت بنا بر آمارهای رسمی و غیررسمی صاحبخانه نیستند و هر سال هم با وخیم‌شدن اوضاع اقتصادی قدرت کمتری برای صاحبخانه شدن پیدا می‌کنند؛ وضعیت بازار مسکن در واقع یک وضعیت بحرانی است و آنچه در این بازار آشفته دیده نمی‌شود، مدیریت بحران است. البته مسئولان مختلف در این باره نظریه‌هایی را مطرح کرده‌اند، اما با توجه به شرایط اقتصادی کشورمان همه این اقدامات قابل اجرا نیست. همین موضوع که به نوعی ناتوانی کنترل قیمت مسکن از آن تعبیر می‌شود باعث شده تا این بازار بیش از گذشته بدون نظارت بماند و دلان مسکن این بازار را هم تصاحب کنند.» بیکاری و نداشتن درآمد از سویی و هزینه کمرشکن اجاره بهای مسکن، زندگی را برای اکثریت محروم و زحمتکش ایران نیز غیرقابل تحمل نموده است. شدت این فشارها به حدی رسیده است که بخشی در حال از دست دادن سرپناه و ناتوان از زندگی زیر یک سقف شده

اند! عدم برخورداری از نهادها و تشکل های مردمی اقشار آسیب پذیر، مانع حمایت ها و طرح خواست ها و حرکت های اجتماعی در این رابطه می باشند.

پ : حاشیه نشینی، نتیجۀ ناگزیر بحران مسکن!

کوچ طبقاتی تهیدست شده گان از شهرها به حاشیه ها
هفت میلیون نفر در حاشیه گورستان ها زندگی می کنند.



«آلونکهای حاشیه شهرها بدون برق و آب و امکانات اولیه زیستی، پدیده ای در حال رشد!»

«آلونکهای حاشیه شهرها بدون برق و آب و امکانات اولیه زیستی،
پدیده ای در حال رشد!»

تورم و رکود همزمان موجب افزایش جمعیت حاشیه نشین در ایران شده است. یک کارشناس مدیریت بحران شهری می گوید: بیش از هفت میلیون نفر در حاشیه گورستان ها زندگی می کنند.

محمدرضا محبوب فر، عضو انجمن آمایش سرزمین ایران، یکشنبه چهارم خرداد گفت: ۷ میلیون و ۶۰۰ هزار ایرانی اطراف «آرامستان ها» زندگی می کنند.

به گفته او جمعیت حاشیه نشین در مقایسه با سال ۱۳۹۶ پنج درصد افزایش یافته و به ۴۵ درصد رسیده است. مقام های دولتی ایران پیش از

این جمعیت حاشیه نشین را ۱۹ میلیون نفر اعلام کرده بودند.

محبوب فر اما گفت که این آمار مربوط به سال ۱۳۹۷ است که ۱۹ میلیون نفر از ایرانیان در سه هزار منطقه حاشیه‌نشینی سکونت داشتند و امروز ۴۵ درصد جمعیت ایران، معادل ۳۸ میلیون نفر حاشیه نشین و بد مسکن هستند.

این پژوهشگر اجتماعی سکونت و زندگی حاشیه نشیان در اطراف «آرامستان‌های شهری» را یک «پدیده جدی» عنوان کرد و گفت: «۲۰ درصد حاشیه نشینان در اطراف و حاشیه آرامستان‌ها زندگی می‌کنند و سکونت غیررسمی دارند.»

محمدرضا محبوب فر تورم و گرانی در بخش مسکن و افزایش اجاره بها را عامل اصلی افزایش میزان حاشیه‌نشینی در یک دوره سه ساله دانست و اضافه کرد: میزان حاشیه نشینی در کشور به دلیل سیاست‌های غلط و مشکلات اقتصادی افزایش معناداری داشته است.

بر اساس اعلام مرکز آمار نرخ اجاره بها ۳۱,۶ درصد افزایش یافته است. همزمان با رشد نرخ اجاره، قیمت مسکن نیز در سال‌های اخیر بیشتر شده. میانگین قیمت مسکن در تهران در اردیبهشت ماه به ۱۷ میلیون تومان برای هر مترمربع رسید که تنها در مقایسه با یک ماه قبل ۲ میلیون تومان افزایش نشان می‌دهد.

افزایش قیمت مسکن و اجاره بها که با رکود و سرکوب دستمزدها توأمان شده، موجب کوچ اجباری مزدبگیران و کم‌درآمدها به مناطق کم‌برخوردارتر و ارزان‌تر و کوچ ساکنان پیشین این مناطق به حاشیه شهرها شده است.

به گفته محبوب فر، این وضعیت «الگوی استقرار حاشیه‌نشینی در کشور» را تغییر داده به صورتی که «بخشی از حاشیه‌نشین‌ها که قبلاً در مراکز شهرها دیده می‌شدند و در بافت‌های فرسوده و مستهلک شهری بودند با تکمیل ظرفیت بافت‌های فرسوده شهری به خط و خطوط مرزی کشیده شده‌اند»

او در ادامه گفت: «حاشیه‌نشینی در داخل شهرهای تهران، مشهد و قم افزایش پیدا کرده، کار به جایی رسیده که بسیاری از مناطق گردشگری، مکان‌های تاریخی، مذهبی مثل امامزاده‌ها، مقبره‌ها، تکایا و... جمعیت حاشیه‌نشین را در خود جای داده‌اند.» (به دو گزارش پیوست در این مورد توجه کنید.)

عضو انجمن آمایش سرزمین ایران «عدم توجه مسئولان دولتی» را موجب افزایش جمعیت حاشیه‌نشین دانست و گفت: شهرداری‌ها متولی اصلی حاشیه‌نشین‌ها هستند اما به دلیل بودجه‌های محدود، بحران‌های مالی و پولی نتوانستند در زمینه ساماندهی این جمعیت حاشیه‌نشین موفق عمل کنند.

او از دولت خواست با «یک اراده سیاسی و عزم ملی» به کمک شهرداری‌ها برود تا «مشکل حاشیه‌نشینی حل شود.»

آیا واقعا دولت و شهرداری‌ها خواهان رفع این مشکل هستند؟! وقتی خودشان عامل ایجاد این معضل غم‌انگیز هستند؟! - «اقتصاد، کسب و کار و بازار»

یکی از زمینه‌های بروز اختلاف طبقاتی، مسأله مسکن است. بالا رفتن قیمت‌ها و اجاره‌های خانه‌های میلیون‌ها خانوار کارگری و زحمتکش را از دسترسی به مسکنی درخور محروم کرده است. در کنار پدیده‌هایی چون مهاجرت هرچه بیشتر خانواده‌های کم‌درآمد از مراکز شهرها به حواشی و شهرک‌های پیرامونی که با شکل‌گیری آلونک‌نشینی و حلبی‌آبادها همراه است، ما با پیدایش و رشد پدیده‌های دیگری چون، کارتن‌خوابی، گورخوابی، پشت‌بام‌خوابی و مبل‌خوابی و ... روبرو هستیم که عمق فاجعه مسکن را در ایران به نمایش می‌گذارند. بورژوازی نوکیسه‌ای که از "برکت" رابطه‌اش با مراکز قدرت، به چپاول ثروت عمومی و تخریب محیط زیست پرداخته، به ساختن ویلاهای آنچنان مساحت‌ها و قیمت‌های نجومی دست‌یازیده است.



ویلا واقع در تهران، اقدسیه، گلستان شمالی

۱۵۰۰ متر زمین
۵۵۰ متر بنا

قیمت رهن:
۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

اجاره ماهانه:
۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

ت: مشکل خانه های خالی و رویکرد دولت!

وجود بیش از ۲ میلیون خانه خالی در کشور

دولت روحانی با علم به این بحران، انگشت خود را بر روی مسأله خانه های خالی گذاشته و به خیال خود با طرح اخذ مالیات بر آنها می خواهد مشکل را حل کند. اما مسأله اصلی، کمبود مسکن خالی نیست، بلکه مشکل اصلی گرانی بهای مسکن و اجاره آن است که با توجه به مشکل مهمتری یعنی بیکاری و یا درآمدهای پائین، افراد و خانواده ها را از دسترسی به یک سرپناه مناسب محروم می کند.

به گزارش مشرق: « تعداد واحدهای مسکونی خالی از سکنه در یک دهه گذشته از ۴۵۷ هزار به بیش از ۲ میلیون واحد مسکونی رسیده است و مساحت زیربنای واحدهای مسکونی خالی از سکنه نیز از ۵۷ میلیون مترمربع به ۲۶۳ میلیون مترمربع افزایش یافته است. برآورد میشود ارزش خانه های خالی نیز از ۲۰ هزار میلیارد تومان به ۷۴۷ هزار میلیارد تومان افزایش یافته باشد.»

به گزارش ایسنا، براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ در استان تهران ۳ میلیون و ۸۹۰ هزار واحد مسکونی وجود دارد که ۴۹۰ هزار واحد معادل ۱۳ درصد از این تعداد خالی است و با توجه به رکود

ساخت و ساز احتمالا تعدادی از واحدهای خالی دارای سکنه شده است. با این حال آمار خانه های خالی تهران بیش از دو برابر استاندارد جهانی است.

موجودی مسکن کل ایران نیز در سال ۱۳۹۰ حدود ۲۱ میلیون و ۶۶۳ هزار واحد بوده که با ۱۷ درصد رشد به ۲۵ میلیون و ۴۱۲ هزار واحد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. در مقابل، آمار خانه های خالی از یک میلیون و ۶۶۳ هزار واحد در سال ۱۳۹۰ به ۲ میلیون و ۵۸۷ هزار واحد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته و حدود ۵۵ درصد رشد کرده است. مقایسه این دو آمار به خوبی اتلاف سرمایه ساختمانی عمدتاً در سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ را آشکار می کند و نشان می دهد بخش زیادی از ساخت و سازها در این فاصله غیرمصرفی، لوکس و متراژ بزرگ بوده که با جنس خانوارها (با ابعاد کوچکتر از یک دهه قبل) سازگار نبوده است. علت اصلی خالی ماندن این واحدها قیمت بالای آن به نسبت توان مالی متقاضیان است، یعنی به نوعی واحدهای خالی مانده را می توان در شمار واحدهای لوکس به حساب آورد.

با این حساب نسبت خانه های خالی به کل موجودی واحدهای مسکونی کشور ۱۱ درصد است که نشان می دهد از هر ۱۰ خانه در کشور، حداقل یکی خالی است. این وضعیت البته در تهران بحرانی تر است. این در حالی است که مطابق استاندارد جهانی، نسبت خانه های خالی بین ۴ تا ۶ درصد کل واحدهای یک شهر یا کشور است. به عبارت دیگر حداکثر ۴ تا ۶ درصد از خانه های هر شهر باید برای مواقع نقل و انتقال مسکن یا مهاجرت و تقاضای جدید خالی باقی بماند. با این حال در کشور دو برابر و در تهران بیش از دو برابر این استاندارد خانه خالی وجود دارد.

به گزارش پایگاه خبری اقتصاد، محمود محمودزاده در برنامه تیتراژ شبکه خبر با اشاره به برنامه های کوتاه مدت و میان مدت وزارت راه و شهرسازی افزود: «براساس آمار حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد مسکونی خالی داریم که هدف گذاری ما اینست که با وضع مالیات و موارد تشویقی بتوانیم حداقل ۴۰ درصد این واحدها را وارد بازار کنیم.»

گرایش پس اندازها و سرمایه ها به خرید و ساختن و تبدیل به احسن کردن منازل موجود در بین لایه های بالایی متوسط جامعه و صاحبان ثروت و سرمایه به امید ارزش افزائی سرمایه هایشان در اثر سیر بالاروندن قیمت های مسکن با توجه به رکود اقتصادی سایر حوزه های بارآوری،

یکی از دلایل این امر است که به باز شدن هرچه بیشتر شکاف طبقاتی کمک می نماید.



البته از سوی دیگر، برخی کارشناسان بازار مسکن با اشاره به رکود این بازار و قیمت های بالاتر از توان متقاضیان، می گویند اخذ مالیات از خانه های خالی و بطور کلی مالیات بر عایدی سرمایه در بخش مسکن نباید موجب فرار سرمایه از این حوزه شود.

ابهام در اجرا

بنا بگفته مقامات رژیم، مهمترین ابزار فنی برای اجرای قانون مالیات بر خانه های خالی، قرار گرفتن اطلاعات این خانه ها در اختیار نهادهای اجرایی است. راه اندازی سامانه املاک و مستغلات به همین منظور بود. اما یکی از کارشناسان دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی اظهار داشت هنوز اطلاعاتی در این سامانه ثبت نشده که در اختیار سازمان امور مالیاتی یا شهرداری ها قرار بگیرد. این کارشناس از اجرایی شدن طرح در سال جاری ابراز تردید کرد.

مصطفی قلی خسروی، رئیس اتحادیه مشاوران املاک نیز اجرایی شدن قانون اخذ مالیات از خانه های خالی با توجه به شرایطی که در خصوص شناسایی این خانه ها وجود دارد، را ممکن ندانست. خسروی گفت: چند سال است که متولیان بخش مسکن از اجرای این قانون سخن می گویند اما می توان گفت تا کنون هیچ اقدامی عملیاتی برای آن شروع نشده است.

خسروی با اشاره به اینکه دولت های مختلف هر کدام به نوعی به دنبال اخذ مالیات از خانه های خالی بوده اند گفت: در حال حاضر شرایط از نظر فنی برای شناسایی این واحدها هموار است و می توان گفت شناسایی خانه های خالی با توجه به ابزارهای نوین و جدید به راحتی امکان پذیر است اما ما شاهد اجرای قانون نیستیم.

او اخذ مالیات از خانه های خالی را در جهت افزایش رفاه مردم برای دسترسی سریعتر به مسکن عنوان کرد و گفت: در بیشتر کشورها مالیات خانه های خالی سنگین تر از مالیات های دیگر است و همین باعث می شود صاحبخانه ها به دنبال جواب کردن مستأجران نباشند. آنها می دانند اگر خانه برای مدتی خالی بماند مجبورند مالیات زیادی بابت آن بپردازند اما در ایران مالکان این اجبار مالیاتی را ندارند بنابراین ممکن است برای دریافت سود بیشتر از عرضه مسکن به بازار اجاره یا فروش خودداری کنند. در حالی که عرضه خانه های خالی یک امر ملی است و همه از عرضه این واحدها به بازار استقبال می کنند.

خسروی به موضوع دیگری هم اشاره کرد و آن خانه هایی با متراژهای بالا است که عموماً به عنوان انبار از آن استفاده می شود و مشخص نیست مالکان واقعی این خانه های بزرگ چه کسانی هستند. رئیس اتحادیه مشاوران املاک با اشاره به قوانین کشورهای دیگر در مواجهه با چنین خانه هایی گفت: برای مثال در کشور ترکیه دولت 5 سال به مالکان مهلت می دهد برای مشخص شدن مالکیت و پرداخت مالیات اقدام کنند اگر بعد از 5 سال مالک اقدامی نکرد دولت با مصادره آن به ساخت و ساز در آن زمین و واگذاری خانه ها به متقاضیان اقدام می کند.

آیا توصیه به خریدن خانه درست است؟

در کنار هشدارهای کارشناسان درباره رکود تورمی بازار مسکن و افزایش اجاره بها در کشور و توصیه به خرید مسکن با هر میزان سرمایه، برخی مانند وزیر راه و شهرسازی معتقد است که مردم نباید خانه بخرند تا قیمت مسکن کاهش یابد، اما برخی دیگر نظیر اقبال شاکری، نماینده مردم تهران در مجلس، توصیه به خریدن مسکن را موضوعی غلط می داند و خواستار رسیدگی ویژه مجلس به مدیریت، کنترل و نظارت بخش مسکن می شود. او گفته است که متغیرهای بازار مسکن به شدت مردم را رنج می دهد، در این وضعیت مسئولی می گوید «مسکن خرید تا ارزان شود.» اگر با خریدن مسائل حل می شد که دیگر نیازی به مسئول، وزارتخانه و دوائر متعدد نبود. بازار مسکن در حالی در شرایط نابسامان و التهابی به سر می برد که صنعت ساختمان سازی در طول سال های متمادی همواره به عنوان یکی از اصلی ترین بخش های مولد اقتصادی ایران شناخته می شود. برآوردها نشان می دهد سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی کشور بیش از ۱۰ درصد است و همزمان تعداد زیادی از اصناف و حوزه های وابسته به ساختمان در مجاورت بازار مسکن

فعالیت می‌کنند و این بدین معناست که رکود در این بازار نه تنها به نفع خود این بازار نیست بلکه می‌تواند با تحت‌تاثیر قرار دادن سایر حوزه‌ها، آنها را هم دچار مشکل کند. قدر مسلم دستگاه‌های نظارتی و سیاست‌گذاری باید این بازار لجام گسیخته را کنترل کنند.

در قانون بودجه امسال بخش مالیات سهم تعیین کننده ای در تأمین درآمدهای دولت دارد چون پایه‌های مالیاتی تازه‌ای اجرایی می‌شود که تاکنون هیچ مؤدی مالیاتی آن را پرداخت نکرده است. یکی از بخش‌هایی که پایه‌های مالیاتی جدیدی برای آن تدوین شده؛ مسکن است که در قالب «مالیات برعایدی سرمایه» و «مالیات بر خانه‌های لوکس و خالی» عملیاتی خواهد شد.

با توجه به اینکه در قانون بودجه امسال، اعضای کمیسیون تلفیق بودجه مجلس با افزودن موادی به لایحه بودجه، طرح دریافت مالیات از خانه‌های لوکس را در این لایحه گنجانده‌اند، می‌توان گفت اخذ مالیات از خانه های خالی با توجه به لوکس بودن این واحدها، امسال عملیاتی می‌شود. هم‌اکنون طبق قانون نقل و انتقال واحدهای مسکونی مشمول مالیات است، ولی با اجرایی شدن پایه‌های مالیاتی جدید در این بخش علاوه بر نقل و انتقال، صاحبان واحدهای مسکونی باید مالیات تازه‌ای که در قالب «مالیات بر ثروت» تعریف می‌شود پرداخت کنند که صاحبان خانه های خالی لوکس نیز از این قانون مستثنی نیستند.

پر واضح است که منظور دولت از وضع مالیات بر واحدهای مسکونی خالی، بیشتر کسب درآمد برای دولت است که با کسری بودجه مهمی روبرو است تا حل مشکل مسکن. تا زمانی که قیمت‌های خانه به این اندازه بالاست و اجاره ها هم سیر صعودی دارند، تورم و دستمزدهای پائین اجازه نمی‌دهند که کارگران و زحمتکشان و اقشار متوسط و پائین خرده بورژوازی یعنی اکثریت مردم، خانه بخرند یا اجاره های بالا بپردازند. بنابراین در بهترین حالت عرض خانه های لوکس و یا خالی در مراکز شهرها بین همان دهک های بالای درآمد، باز توزیع می‌شود و مشکل به جای خود باقی می‌ماند.



ث- رابطۀ قیمت زمین و بهای مسکن!

رابطۀ مالکیت و اجارۀ مسکن

یکی از محورهای اصلی تولید مسکن این است که ۶۰ درصد هزینه مسکن را زمین تشکیل میدهد و این نسبت در تهران به ۷۰ درصد هم میرسد، این رقم در ۱۳۸۶- ۵۴ درصد بوده است. بنابراین اگر بتوان با راهکاری قیمت زمین را از مسکن جدا کرد، قیمت مسکن کاهش مییابد. نماینده شاهینشهر، برخوردار و میمه در مجلس گفت: «کشور ما از ۱۶۵ میلیون هکتار وسعتی که دارد، تنها در ۴۲ درصد آن سکونتگاه ساخته شده و ساخت مسکن در کمتر از ۵ درصد مساحت کشور باعث شده تراکم جمعیت صورت گیرد و قیمتها بالا رود، به خاطر اینکه طرح آمایش سرزمینی اجرا نشده است و نمیدانیم جواب خدا را چه بدهیم که زمینی به این وسعت برای کشور قرار داده اما در شهرهای ما تراکم جمعیت وجود دارد و قیمت بشدت افزایش یافته است و ما دنبال حل این مسائل هستیم.»

مدیریت زمین، نقطه شروع ساماندهی

اتحادیه مشاوران املاک کشور یکی از مراجعی است که درباره وضعیت بازار مسکن از ماههای گذشته هشدارهایی مطرح کرد بود. حسام عقبایی، نایبرئیس اتحادیه مشاوران املاک کشور، معتقد است: «عدم مدیریت زمین یکی از مهمترین مولفههای اثرگذار در نرخ مسکن است، زیرا زمین در نرخ مسکن سهمی در حدود ۷۰ الی ۹۰ درصدی دارد و برای ساماندهی وضعیت بازار مسکن باید از یکجایی شروع کنیم که به طور حتم مدیریت زمین نقطه آغاز مناسبی در این حوزه است. او میانگین قیمت مسکن در تهران را ۱۷ متری و نیم میلیون تومان عنوان کرد که تنها دو الی سه میلیون آن مربوط به ساخت بنا و مابقی قیمت زمین است، البته برای کاهش یا کنترل نرخ مسکن کنترل تورم هم عملیاتی ضروری به نظر میرسد.»

«باید موانع رونق مسکن را برداریم تا بخش خصوصی رغبت پیدا کند و نقدینگی و سرمایه خود را برای ساخت مسکن بیاورد، البته دولت هم باید موانع را برطرف کند؛ از جمله آزادسازی زمین، گرفتاری‌های شورای عالی شهرسازی و معماری برای توسعه شهرها وجود دارد که باید این موانع برطرف شود.»

متوسط سطح زیربنای واحد مسکونی از 149 متر مربع در سال 1365 به 125 متر مربع در سال 1388 رسید. طی این سال‌ها 2 تا 4 درصد واحدهای مسکونی تازه ساز کمتر از 50 مترمربع، بین 12 تا 16 درصد آن کمتر از 75 متر مربع، و بین 43 تا 59 درصد آن کمتر از 120 متر مربع بوده است. یکی از علل اساسی کاهش سطح زیربنا افزایش قیمت زمین است. افزایش بی سابقه قیمت زمین و مسکن در شهرهای بزرگ کشور، بار دیگر مسأله قیمت مسکن و زمین را، به عمده ترین مشکل اقتصادی کشور از دیدگاه خانوارها در سال 1386 تبدیل کرده است. «آن بخش از سرمایه که صرفاً برای خرید و فروش مسکن وارد این بازار شده است در سال 1386 قیمت مسکن را بیش از 86 درصد افزایش داده است. اجاره خانه نسبت به درآمد خانوارها، به ویژه در دهک های پایین درآمدی، گران است و نرخ رشد آن در شهرهای بزرگ و کوچک، همواره رو به بالاست». به گزارش «روزنامه دنیای اقتصاد»، بانک مرکزی پیشتر اعلام کرده بود: در نیمه اول سال 90 انبوه سازانی که اقدام به تامین زمین برای ساخت و ساز کرده بودند، 60 درصد بیشتر از سال 89 برای خرید زمین هزینه کردند. نرخ بانک مرکزی با نرخ مرکز آمار همخوانی ندارد.

روشن است که یکی از عوامل این نرخ رشد یا بنده، افزایش قیمت تولید مسکن است، اما این هم مسأله نیست، یکی از عواملی که در این مورد عمل می کند احتکار انبوه سازان در عرضه خانه های تازه ساز است تا مانع افت قیمت خانه و بنابراین مانع کاهش نرخ سود در رشت خانه سازی شود و یکی از عواملی که دامن این احتکار انبوه سازان را محدود می کند دیون آنان به بانک هاست

این مقدار واحد مسکونی خالی در ایران عمدتاً نوسازند و توسط انبوه سازان به امید فروش آنها به قیمتی با سود مناسب تولید شده اند. این انبوه سازان نه تنها به سود حاصل از فروش این واحدهای مسکونی، بلکه به نرخ سودی مناسب آن نیز می اندیشند. حال با توجه به افزایش قیمت تولید واحدهای مسکونی که خود محصول افزایش شدید قیمت زمین، مصالح ساختمانی، هزینه های اداری، نرخ بهره بانکی و سقوط ارزش پول کشور است - و این حتی بر روی قیمت واحدهای مسکونی از پیش ساخته

شده منظور می شود - تقاضای موثر یا قوّت خرید مردم به ویژه با افزایش نرخ بیکاری به شدت کاهش یافته است. این انبوه سازان خانه های خود را به قصد فروش ساخته اند و نه اجاره دادن هرچند که همین وضع به خاطر افزایش شدید اجاره بها در مورد توان اجاره کردن نیز صادق است.

دولت در حوزه مسکن فقط حرف میزند

مسعود نجفی، کارشناس بازار مسکن با بیان اینکه راهکارهای ارائه شده در دولت آقای روحانی تاکنون منجر به صاحبخانه شدن یک نفر هم نشده است، خاطرنشان کرد: متأسفانه مسئولان کشور به جای ارائه راهکار و توجه به راهکارهای کارشناسان اقتصادی و مسکن بیشتر حرف میزنند تا عمل به راهکارهایی که حلال مشکل بخش مسکن است. شاید تنها راهکار ارائه شده از سوی مسئولان بویژه در زمان آقای روحانی راهکارهای تاثیرگذار بر روان مردم است یعنی به جای ارائه راهکار عملیاتی با بیان مطالبی به دنبال کاهش نرخ مسکن از طریق بار روانی موضوعات مطرح شده هستند که قطعاً هیچ کمکی به بخش مسکن و رفع چالشهای این حوزه نمیکند.

وی با بیان این نکته که باید در بخش مسکن واقع نگر بود تا بر چالشهای آن غلبه کرد، گفت: راهکار حل مشکل مسکن دیدن واقعیتهای این بخش است بدون هرگونه شعاردهی. تدوین قوانین و تصویب دریافت مالیات از خانههای خالی راهکار مهمی است اما مهم ترین راهکار حل چالش مسکن در کشور تولید مسکن و ارائه زمین رایگان یا ارزان به متقاضیان واقعی است، هر چند کوتاه کردن دست دلان با دریافت مالیاتهای سنگین از آنها در بخش مسکن نیز راهکار بسیار خوب و کمک کننده ای برای رفع نیازهای سرکوب شده واقعی در بخش مسکن برای خانه دار شدن است. اگر انبوه سازی و ساخت مسکن در دستور کار دولت قرار نگیرد دلان همچنان در بازار جولان میدهند، لذا تغییر سیاست گذاریها به سمت تولید بیشتر و کوتاه کردن دست دلان از بازار بهترین و موثرترین راهکار خانه دار کردن مردمی است که از گرانی مسکن بشدت رنج میبرند.

این کارشناس حوزه مسکن افزایش هزینه های اجاره بها را ناشی از تبدیل شدن مسکن به کالای سرمایه ای و افزایش قیمت آن در سالهای اخیر دانست و اظهار داشت: تمام سیاستهایی که هیچگاه منجر به عمل نشد امروز باعث نجومی شدن هزینه های اجاره بها شده به طوری که مردم ترجیح میدهند به سمت حاشیه شهرها حرکت کنند.

نمایی از انبوه سازی در ایران

نمایی از انبوه سازی در ایران



«دنیای اقتصاد در 1391 از قول یک کارشناس امور مسکن پیش بینی ای کرد که ما امروز در سال 1399 شاهد آن هستیم». «نگرانی بزرگی که بازار مسکن را تهدید میکند احتمال افزایش نسبت اجاره نشینی در آیند»^۱ نزدیک نسبت به حجم مسکن های ملکی است.» تغییرات نرخ مالکیت در کل کشور از کاهش نسبت جمعیت مالک به جمعیت مستاجر حکایت داشت. سهم خانوارهای مالک در کل کشور از ۶۲ / ۷ درصد در سال ۹۰ به ۶۰ / ۶ درصد در سال ۹۵ کاهش پیدا کرده و در مقابل، سهم خانوارهای مستاجر در همین فاصله ۵ساله، از ۲۶ / ۶ درصد به ۳۰ / ۸ درصد افزایش یافته است. کمتر از ۱۰ درصد خانوارها به دلیل سکونت در خانه های سازمانی یا فامیلی، نه مالک و نه مستاجر محسوب میشوند. در کل کشور، هنوز صاحبخانه ها بیش از دو سوم جمعیت را تشکیل می دهند اما در کلان شهر تهران - پایتخت - اگر چه بزرگی جامعه مالکان نسبت به جامعه اجاره نشین ها فعلا برقرار مانده اما این نسبت، شکننده شده است به طوری که صاحبخانه ها در پایتخت، جمعیت بیش از نصف را از دست داده اند. آمار مستاجران پایتخت نشان می دهد، سهم مالکان از کل خانوارهای ساکن در کلان شهر تهران از ۵۲ درصد در سال ۹۰ به ۴۹ / ۵ درصد کاهش یافته و در مقابل، سهم مستاجرها با بیش از ۴ واحد درصد افزایش، از ۳۷ / ۹ درصد به ۴۲ درصد رسیده است. «افزایش اجاره نشینی و کاهش مسکن ملکی، و بویژه کاهش مالکیت زمین مسکن، روندی است محتوم، که با رشد نظام سرمایه داری و تبدیل هرچه بیشتر زمین به چیزی دارای قیمت انحصاری همراه است. انحصار زمین در دستان خانوارهای هرچه کمتری در کل کشور و سلب هرچه بیشتر مالکیت توده های مردم بر زمین، آن عاملی است که خواست اجتماعی شدن مالکیت زمین را انجام پذیر و برحق می گرداند. معنی عملی لغو مالکیت خصوصی زمین و تبدیل آن به ملک هم^۲ شهروندان جامعه این است

که دیگر هیچ زمینی سند مالکیت شخصی نخواهد داشت و خرید و فروش نمی شود و به کس دیگر به ارث نمی رسد، بلکه حق بهره وری از زمین با برنامه ریزی اجتماعی برای مصارف گوناگون در اختیار نهادها و سازمان های اجتماعی و تعاونی ها قرار خواهد گرفت. مالکیت اجتماعی بر زمین یک عامل اساسی ریشه ای حل مسألۀ مسکن است، زیرا با این عمل اجتماعی که موجب می شود زمین فاقد قیمت شود نقش آن به عنوان یکی از عواملی که بخش بسیار بزرگی از قیمت مسکن را تشکیل می دهد به طور کامل حذف میشود. از این هنگام است که با برنامه ریزی اجتماعی در تولید مسکن می توان مشکل توده های مردم را در تهیۀ مسکن به گونه ای واقعی حل نمود.» (مسألۀ مسکن در ایران بهروز فرهیخته آبان 1391- آذرخش)

ج- حق مسکن حق بهره مندی از یک کیلو گوشت است

چند متر خانه با حق مسکن ۳۰۰ هزار تومانی می توان خرید؟

«ایمان واقفی» پژوهشگر حوزه شهری: در این روزها که هزینه های گوشت به بالای ۱۰۰ هزار تومان رسیده، پرداخت ۱۰۰ هزار تومانی حق مسکن در سال 1398 بیشتر به شوخی می ماند و باید در واقع آن را نه حق مسکن که «حق بهره مندی از یک کیلو گوشت» نامید.

میانگین قیمت مسکن در تهران به چیزی حدود متری ۱۰ میلیون تومان رسیده است. این یعنی اگر شما خانه نداشته باشید برای یک خانه ۱۰۰ متری باید ماهی ۵/۵ میلیون تومان اجاره پرداخت کنید. به عبارت دیگر با حق مسکن ۱۰۰ هزار تومانی تنها می شود اجاره ۲ متر جا را در تهران پرداخت کرد.



حق مسکن کارگران برای امسال اگرچه در صورت تصویب دولت، با افزایش ۲۰۰ درصدی به ۳۰۰ هزار تومان خواهد رسید اما با توجه به نرخ خرید و اجاره مسکن، این ردیف در فیش حقوقی بیشتر جنبه تزئینی دارد.

به گزارش مشرق، از اواخر دهه هفتاد ردیفی با عنوان «حق مسکن» برای کمک به هزینه‌های مربوط به خرید یا اجاره خانه به فیش حقوقی مشمولان قانون کار اضافه شد. طی سال‌های گذشته اعمال تغییر در میزان حق مسکن همواره با حواشی همراه بود، به عنوان نمونه حق مسکن در سال ۹۳ از ۲۰ هزار به ۴۰ هزار تومان افزایش یافت اما پس از دو سال در هیأت دولت تصویب شد و از مهر ماه سال ۹۵ مبلغ ۴۰ هزار تومان برای این مؤلفه در نظر گرفته شد.

امسال نیز فرایند تعیین حق مسکن با برخی حواشی همراه بود به گونه‌ای که پس از گذشت سه ماه از سال، شورای عالی کار دو روز قبل برای تعیین حق مسکن تشکیل جلسه داد و اعضای شورا بر روی افزایش ۲۰۰ هزارتومانی حق مسکن و افزایش از ۱۰۰ به ۳۰۰ هزارتومان به اجماع رسیدند. در صورت تصویب نهایی در دولت، اگر چه این ردیف نسبت به سال‌های قبل از رشد بهتری برخوردار خواهد شد اما با توجه به وضعیت بازار مسکن و روند تصاعدی قیمت خرید و اجاره، قطعاً ارقامی در حد ۳۰۰ هزار تومان هیچ نقشی در جبران هزینه‌های مربوط به مسکن کارگران ندارد.

در جدول زیر جزئیات مربوط به مقایسه حق مسکن با دو مؤلفه متوسط اجاره بها (برای هر متر مربع واحد مسکونی) و متوسط خرید هر متر مربع واحد مسکونی در دهه ۹۰ آمده است. (ارقام به تومان است)

سال	حق مسکن	متوسط اجاره بها (هر متر)	متوسط خرید (هر متر)
۹۰	۱۰ هزار	۱۲/۹۴۷	۲/۰۴۱/۲۰۰
۹۱	۱۰ هزار	۱۵/۴۶۹	۲/۹۶۴/۹۰۰
۹۲	۱۰ هزار	۱۸/۵۹۲	۳/۹۵۴/۶۰۰
۹۳	۲۰ هزار	۱۸/۵۹۲	۴/۱۷۶/۰۰۰
۹۴	۲۰ هزار	۲۲/۹۹۱	۴/۱۴۱/۷۰۰
۹۵	۴۰ هزار	۲۳/۵۴۴	۴/۳۷۲/۳۰۰
۹۶	۴۰ هزار	۲۸/۲۱۰	۴/۸۲۲/۳۰۰
۹۷	۴۰ هزار	۳۶/۴۴۵	۸/۲۴۱/۹۰۰
۹۸	۱۰۰ هزار	۵۰/۷۴۶	۱۳/۳۳۰/۲۰۰
۹۹	۳۰۰ هزار (نیاز به مصوبه دولت)	-	اردیبهشت: ۱۷ میلیون

البته آن طور که اظهارات مسئولان حوزه کار و البته ارقام ناچیز مربوط به این بخش نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد حق مسکن بیشتر مؤلفه‌ای برای افزایش میزان دستمزد است و ذکر عنوان «حق مسکن» تنها یک اسم بوده و ربطی به جبران هزینه‌های مسکن ندارد.

به عنوان مثال بر اساس اعلام دفتر برنامه ریزی و اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی، میانگین قیمت هر متر مربع واحد مسکونی در منطقه ۹ تهران [سال ۱۳۹۷] به عنوان یکی از مناطق متوسط نشین، به طور میانگین ۱۱ میلیون و ۴۸۰ هزار تومان بوده است که با پس انداز یک سال حقوق ۳ میلیون تومانی یک کارگر و بدون اینکه از این حقوق برای سایر هزینه‌ها همچون خورد و خوراک، قبوض، حمل و نقل، هزینه‌های جاری و ... استفاده شود، تقریباً می‌توان ۳ متر از یک واحد ۶۰ متری را خریداری کرد و برای خرید کل خانه در صورت ثابت ماندن تمامی قیمت‌ها، ۲۰ سال زمان نیاز است.

در مورد ارزان‌ترین منطقه تهران نیز باید گفت در منطقه ۱۸ با میانگین قیمت هر متر ۷ میلیون و ۷۴۰ هزار تومان نیز با حق مسکن ۳۰۰ هزار تومانی، با احتساب حقوق ماهانه ۳ میلیون تومان، یک کارگر پس از یک سال پس انداز حقوق خود، تنها می‌تواند تقریباً ۸ متر از یک واحد ۶۰ متری را خریداری کند. منبع: مهر

چ- مسکن، بازاری برای چپاول و سود اندوزی!

زمین و ساختن خانه به صورت ملکی یا اجاره ای، همیشه زمینه ای مناسب برای فرار سرمایه ها و دلالتی در جهت سود اندوزی و در کشوری مثل ایران چپاول بوده است. بحران کنونی نیز با گسترش احتکار و رشد اجاره نشینی، این زمینه را افزایش داده است. نگاهی به اظهار نظرهای دست اندرکاران بازار مسکن می توان به دو گرایش مهم در میان آنها پی برد. سلطان محمدی در گزارشی در تابناک- به تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ یکی از این گرایش ها را این چنین خلاصه می کند: در ساختار بازار اجاره ای ایران به مانند سایر نقاط دنیا شرکت های بزرگ اجاره بگیر ساختمانی نداریم. یعنی مثلاً در ایران شرکت هایی نداریم که چند هزار واحد مسکونی برای اجاره دادن ساخته باشند. اکثر کسانی که موجر هستند کسانی هستند که معمولاً یک یا دو واحد اضافی خریداری کرده اند که مثلاً منبع درآمدی برای کمک هزینه زندگیشان باشد؛ بنابراین به خاطر همین موضوع، وقتی که نرخ تورم و در نتیجه هزینه های زندگی این مالکان افزایش می یابد، آنها تمایل دارند که برای تأمین هزینه های زندگی خود اجاره بها را نیز افزایش دهند. پس راهکار اساسی برای کنترل اجاره بها این است که جلوی افزایش نرخ تورم گرفته شود. وی افزود: پس اگر بخواهیم اجاره بها را پایین نگه داریم و یا کاهش دهیم باید این افزایش قیمت مسکن و افزایش نرخ تورم را کنترل کنیم. از قضا افزایش قیمت مسکن هم تابع افزایش نرخ تورم است. پس در نهایت اگر نرخ تورم را کنترل کنیم

طبیعتاً موفق به کنترل نرخ اجاره بها خواهیم شد. برای کنترل نرخ تورم هم باید نقدینگی کنترل شود. پس ریشه حل همه مسائل به سیاستگذاری‌های دولت بازمی‌گردد. اگر دولت نتواند انضباط مالی داشته باشد و نقدینگی و به موجب آن نرخ تورم افزایش یابد، در نتیجه هم قیمت کالاها افزایش می‌یابد و هم قیمت مسکن افزایش خواهد یافت و افزایش قیمت مسکن هم با خود افزایش قیمت اجاره بها را به همراه خواهد داشت. سلطان محمدی گفت: بنابراین نمی‌شود با افزایش اجاره بهای ضربتی و مداخله‌های دولتی مقابله کرد. اگر دولت برای کاهش اجاره بها بخواهد به زور متوسل شود این باعث خواهد شد که سطح عرضه مسکن‌های استیجاری کاهش یابد که این به ضرر مستأجران خواهد بود چرا که نهایتاً این چرخه به افزایش اجاره بها خواهد انجامید. علاوه بر دو راهکار بالا برای کاهش اجاره بها، راهکارهای دیگری نیز وجود دارد. این است که همان گونه که عرض کردم در ایران شرکت‌هایی وجود ندارند که در بخش مسکن‌های استیجاری سرمایه گذاری کنند و دلیل آن نیز این است که انگیزه کافی برای این موضوع برای این شرکت‌ها ایجاد نشده است. مثلاً ما قانونی که برای مالیات داریم این است که اگر فرد یک واحد مسکونی را اجاره بدهد از پرداخت مالیات معاف است، ولی برای اجاره سایر واحدها باید مالیات پرداخت کند؛ بنابراین مالکین تمایل زیادی ندارند که در این بخش سرمایه گذاری کنند یا تعداد زیادی واحد برای اجاره دادن داشته باشند. اگر بتوان اصلاحاتی در قانون مالیات‌ها انجام دهیم در نتیجه شاید شرکت‌های بزرگ برای سرمایه گذاری در حوزه مسکن‌های استیجاری رغبت پیدا کنند. یا مثلاً اگر دولت زمین‌هایی را در اختیار این شرکت‌ها قرار دهد یا وام‌های کم بهره‌ای را برای آنها به جهت ساخت واحدهای استیجاری در نظر بگیرد، می‌تواند آنها را تشویق به سرمایه گذاری در این حوزه کند.

عضو هیأت مدیره کانون سراسری انبوه‌سازان کشور، در این باره نظری التقاطی ابراز می‌کند: طبق آمارها نزدیک به ۴۰ درصد از جمعیت کشور مستاجر هستند، البته این رقم در شهرهای کوچک و بزرگ متفاوت است، برای مثال در تهران به مراتب رقم بالاتر است. جمع‌بندی این آمار یعنی بازار بسیار مناسبی با حجم بالای تقاضا در زمینه اجاره مسکن وجود دارد. رهبر اظهار داشت: مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد کشورهای ایران چنین بازار اجاره‌ای دارند، برای تامین نیاز متقاضیان از ظرفیت بخش خصوصی استفاده می‌کنند، به این صورت که شرکت‌های انبوه‌ساز موظف می‌شوند بخشی از تولیدات خود را به شکل اجاره برای یک مدت مشخص که کمتر از ۵ سال نیست در اختیار

متقاضیان قرار دهند. این اقدام نیازمند ورود بخش خصوصی به بازار مسکن است.

رهبر خاطرنشان کرد: این اتفاق می‌تواند با مداخله دولت هم صورت گیرد، البته انتظار این است که اگر دولت مجری است اجاره منتهی به تملیک شود؛ چنین سیاستی هم در اغلب کشورهای توسعه‌یافته رایج است اما در ایران تاکنون محقق نشده است.

کارشناس حوزه مسکن اظهار داشت: قانون اساسی جمهوری اسلامی به صراحت دولت را مسؤول خانه‌دار کردن مردم دانسته است و این حق مردم بر گردن دولت‌هاست. وی گفت: قانون روش‌هایی برای ساماندهی و عرضه مسکن مصوب سال ۷۸ ارائه داده است که نمونه‌های عملیاتی آن شامل اعطای زمین‌های ارزان‌قیمت، تسهیلات ارزان، تخفیف‌های مالیاتی و عوارضی برای اینکه واحد مسکونی را در اختیار متقاضیان بگذارد، است که مسکن مهر نمونه‌ای از این موارد بود که متأسفانه در دولت روحانی تداوم پیدا نکرد. رهبر در پایان خاطرنشان کرد: طرح مسکن مهر در راستای وظایف دولت نسبت به خانه‌دار کردن مردم صورت گرفت و تا حدودی توانست بار هزینه‌های مسکن را در سبد هزینه‌های خانوار کاهش دهد و احتیاج است بار دیگر دولت‌ها به سمت چنین طرح‌هایی حرکت کنند. دولت وظیفه خود را در حوزه مسکن فراموش کرده است.

حسام عقابایی، نایب‌رئیس اتحادیه مسکن در گفت‌وگو با «وطن امروز» با اشاره به اینکه در دولت آقای روحانی توازن بین عرضه و تقاضا در بخش مسکن نادیده گرفته شد، خاطرنشان کرد: یکی از موضوعاتی که راهکار بسیار اساسی در حل مشکل مسکن به شمار می‌رود ایجاد توازن بین عرضه و تقاضای مسکن است. دولت آقای روحانی سالانه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار مسکن ساخته است در حالی که کشور بین یک تا ۲ میلیون نیاز انباشته شده دارد بنابراین در حوزه عرضه و تقاضا توازن از دست رفته است و این عدم توازن است که قیمت مسکن را به حد نامتعادلی افزایش داده و مردم را با چالش‌های مختلفی روبرو کرده است.

وی بیان داشت: اگر تولید مسکن به میزان قابل توجهی افزایش یابد و بین عرضه و تقاضا تعادل ایجاد شود قطعا قیمت‌ها منطقی می‌شود و حباب مسکن از بین می‌رود و در نهایت این موضوع منجر به خانه‌دار شدن مستاجرها یا کاهش هزینه‌های آنها می‌شود. بی‌توجهی دولت به تولید مسکن باعث آن شد که متأسفانه صدور پروانه‌های ساختمانی با کاهش چشم‌گیری مواجه شود. پر واضح است تا زمانی که خانه برای مردم

تولید نشود به علت کمبود آن و تقاضای بسیار زیاد، مسکن همچنان در اوج قیمتی خود باقی می‌ماند. عقبایی در کیهان کاهش سطح درآمدها را یکی از مسائل تاثیرگذار در عدم توانایی خرید یا اجاره مسکن مناسب عنوان کرد و افزود: یکی از موضوعات دیگری که در این میان مهم است و البته نادیده گرفته شده کاهش قدرت خرید مردم و کاهش ارزش پول ملی است. هنگامی که سطح درآمدها با قیمت‌ها یکسان نباشد و ناترازی در این بخش دیده شود قطعاً مردمی که روز به روز زیر خط فقر می‌روند - قادر به خرید یا حتی اجاره مسکن مطلوب و مورد نظر خود نخواهند بود. این گونه است که طبقات متوسط جامعه به جنوب شهر رفته و مردم جنوب شهر به دلیل افزایش اجاره‌ها راه حاشیه‌نشینی را در پیش گرفته‌اند. عقبایی با تاکید بر اهمیت اعطای تسهیلات به متقاضیان واقعی مسکن گفت: افزایش میزان تسهیلات بانکی برای خانه‌دار کردن مردم نیز موضوع مهمی است. روال کشورهای توسعه‌یافته در اختیار قرار دادن بخش اعظمی از هزینه خرید خانه است در حالی که در ایران بخش ناچیزی از قیمت مسکن به عنوان وام ارائه می‌شود که با این میزان وام، متقاضی حتی قادر به خرید چند متر ناقابل خانه در شهرهای بزرگ نیست. از سوی دیگر حتی اگر وام‌های کلان برای خرید خانه به مردم پرداخت شود به علت نداشتن درآمد کافی، مردم قادر به پرداخت اقساط خود نخواهند بود که این نیز قوز بالا قوز دیگری است، بنابراین اعطای زمین رایگان و حمایت دولت از ساخت‌وساز مسکن به صورت انبوه برای مردم بهترین راهکار خانه‌دار کردن اقشار متوسط و نیازمند جامعه است.

مالیات خانه‌های خالی موافقان و مخالفانی دارد. موافقان می‌گویند اجرای طرح مالیات بر مسکن در ایجاد تعادل عرضه و تقاضای مسکن بسیار موثر خواهد بود. هدف قانون‌گذار از تصویب این [قانون](#) تشویق مالکان خانه‌های خالی به عرضه واحد خود در بازار بوده است. اما بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که میزان این مالیات به حدی نیست که مالکان را به ورود به بازار ترغیب کند.

از سوی دیگر، مخالفان معتقدند زمانی که قدرت اقتصادی مردم کم و توان خرید ندارند، سرمایه‌گذار یا انبوه‌ساز نباید از دو جهت زیان ببیند، به این صورت که سرمایه‌گذار یا انبوه‌ساز واحدهایی را ساخته و آماده عرضه بوده، لذا خود شخص باید تصمیم بگیرد چه زمانی برای عرضه مناسب است.

خارج از این راه‌حل‌هایی که بیشتر سود محور است، می‌توان به راهکارهایی مردم محور فکر کرد. پرواضح است تا زمانی که مسکن به

مثالاً کالائی برای فروش و یا اجاره تولید می شود و در معرض عرضه و تقاضا قرار می گیرد، راهی برای حل نهائی اش در جامعه سرمایه داری ندارد. اما در این عرصه نیز مانند پهنه های دیگر مبارز طبقاتی، تلاش برای بهبود وضعیت فلاکت بار فرودستان جامعه برای داشتن سرپناهی درخور شأن و منزلت انسانی، جزئی از مبارز روزانه کارگران و زحمتکشان و اقشار تهیدست میانی است. در تمام کشورهای سرمایه داری ما با جنبش ها و تشکل های پر دوام بی خانمانها برای اشغال خانه های خالی و بویژه ساختمانهای خالی دولتی و یا احتکار شده توسط سرمایه داران بزرگ، روبرو هستیم که با ایجاد فشار به دولت و به صدا درآوردن زنگ خطر برای افکار عمومی به نتایجی مطلوب در جهت باز توزیع مسکن و تغییر قوانین به نفع بی سرپناهان هم منجر شده است. در همین زمینه در اوایل انقلاب در بسیاری از شهرهای بزرگ، به ابتکار فعالان کارگری و دانشجویی، تشکل هایی برای اشغال و مصادر خانه های خالی سرمایه داران فراری و دولت در جهت اسکان بی سرپناهان به وجود آمد که بعدها با استقرار دولت ضد انقلابی سرکوب گردیدند. راهکار دیگری که می تواند به طور موقت جواب مقطعی به این مشکل بدهد، ایجاد تعاونی های مسکن در واحدهای کاری و اداری توسط خود کارگران و کارمندان است که در آنها دولت و صاحبان کارخانه ها را مجبور به دادن زمین مجانی و وامهای ارزان برای ساختن خانه برای اعضای تعاونی کنند. کارگران و کارمندان بویژه در آموزش و پرورش و خدمات درمانی صاحب تجربه های زیادی در این مورد هستند که با کارشکنی های مقامات دولتی و صاحبان کار، بسیاری از این پروژه ها ناتمام مانده و یا به شکست رسیده اند. ولی این امر مانع از آن نیست که با قدرت گرفتن تشکل های کارگری و اتحاد عمل کارگران و کارمندان تلاشها در این زمینه به نتایج مطلوبی در جهت کاهش فشار مسکن عمل کند. آخرین نمونه ای که مصداق این کارشکنی هاست در شرکت واحد است که تعاونی مسکن آن از طریق مدیریت به انحراف کشانده شد. با هم به گزارشی که سندیکای این شرکت داده نظر بیفکنیم.

«مدیریت شرکت واحد برای تداوم تحمیل افراد مورد نظر خود در هیات مدیره تعاونی مسکن، مقاومت می کند از سال ۸۸ تاکنون مدیریت ضدکارگری شرکت واحد با اعمال قدرت، سرنوشت تعاونی مسکن را با سرمایه اولیه ۷۵ میلیارد تومان در دست گرفته است. تا به حال به هیچ کارگری اجازه شرکت در مجمع عمومی تعاونی مسکن نداده است و با زد و بند و سرهم بندی مدیران ارشد شرکت واحد و حلقه ای از افراد خودی مدیریت که بالغ بر سی تن می باشند اجازه شرکت در مجمع عمومی

تعاونی مسکن را داشته اند، در این سالیان حق کارگران پایمال شده است. اکثریت کارگران از دریافت تسهیلات مسکن محروم شده اند و در پروژه های در دست ساخت تعاونی مسکن با فریبکاری و اعمال زور برای تحویل خانه کارگران پول هایی بسیار بیشتر از قرارداد اولیه از کارگران اخذ شده است. با توجه به اینکه برابر رای مراجع قانونی کارگران باید در مجمع عمومی و رای گیری مشارکت داده شوند اما همچنان مدیریت شرکت واحد با تکیه بر پول و قدرت خود می خواهد مانع از مشارکت کارگران در رای گیری و هیات مدیره تعاونی مسکن شود.» [کانال تلگرام سندیکای کارگران شرکت واحد
[\[t.me/vahedsyndica\]](https://t.me/vahedsyndica)

در بحران اخیر کرونا و بیکاری وسیعی که دامنگیر مردم شد، ما با جنبش «اعتصاب پرداخت اجاره ها» توسط مستأجران در آمریکا، روبرو بودیم که در این زمینه قابل توجه می باشد.

به طور کلی مطالباتی در جهت تخفیف فشار هزینه مسکن (خرید و اجاره) بر روی هزینه خانوارها از جمله: جدا کردن قیمت زمین از بنا، اعطای رایگان زمینهای رها شده و یا دولتی به افراد و تعاونی ها به منظور ساختن خانه بر روی آنها، اعطای وامهای مسکن بی هزینه یا با بهره های کم متناسب با درآمد به خانواده های بی بضاعت، محدود کردن اجاره بها و جلوگیری از افزایش بی رویه آنها توسط دولت و نهادهای قانونی، ساختن خانه های اجتماعی با کرایه های ارزان متناسب با درآمد خانوارها توسط دولت و... می تواند و باید در دستور کار تشکل ها و فعالان کارگری و جنبش مدنی قرار گیرد و با فشار توده ای به پیش رانده شود.

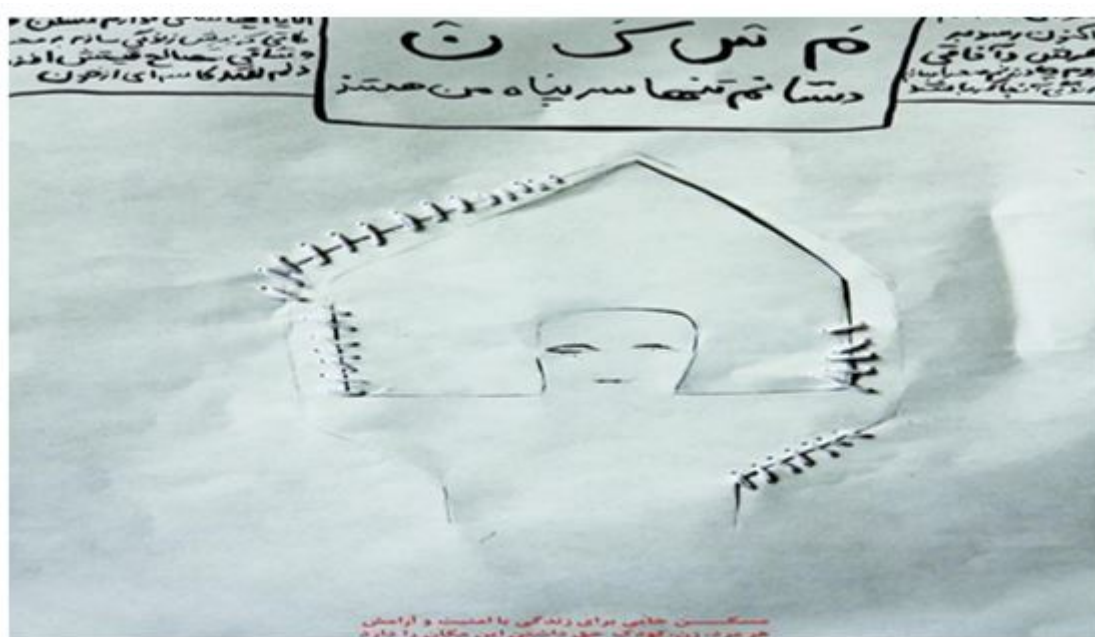


«اردوی کار: تصویر تلخ و دردناکی است که عمومیت بیشتری پیدا می کند! ناتوانی از پرداخت کرایه خانه و بیرون ریختن وسایل، مقدمه آوارگی شهروندان تهیدست شده در حاشیه شهرهاست. شوک اقتصادی، بیکاری و فقر مردم، افزایش شدید قیمت کرایه خانه ها، فقدان سیاست مسکن اجتماعی و در پیش گرفتن سیاست نئولیبرالی در حوزه مسکن، کوچ طبقاتی تهیدست شدگان از شهرها به حاشیه ها را شتاب داده است.»

سخن پایانی: «وضع مسأل» مسکن در ایران بسیار وخیم است و بار سنگین هزین» مسکن بر دوش توده های مردم و به ویژه بر دوش کارگران و دیگر زحمتکشان است که حتی قادر به پرداخت اجاره برای یک مسکن مناسب نیستند و پرداخت اجاره بها حداقل نیمی از درآمد خانوارشان را می بلعد.

هرچه زمان پیشتر می رود قیمت زمین و مسکن افزایش بیشتری می یابد و شمار هرچه کمتری از خانوارها قادر به خرید مسکن مناسب و ایمن و یا اجاره خواهند شد. این در حالی است که سلط» زمینداران و به ویژه سرمایه داران رشت» ساختمانی با ثروت های میلیاردی بر مسکن تود» مردم نقش روز افزون خواهد یافت. وضع مسأل» مسکن در ایران نشان می دهد که حل این مسأل» در نظام سرمایه داری و به ویژه در رژیم اسلامی ممکن نیست. راه حل نهائی مسأل» مسکن: خواست کارگران انقلابی نه مالکیت انفرادی بر زمین و مسکن، بلکه دست یابی و امکان بهره مندی همگان از مسکن ایمن و مناسب با هزین» قابل تحمل است. این هزینه یا اجاره ای که ساکن واحد مسکونی می پردازد باید اساسا برای تعمیرات، بازسازی، نگهداری و توسعه» واحدهای مسکونی به کار انداخته شود. حل کامل مسأل» مسکن تنها در سوسیالیسم امکان پذیر

است. به عنوان گام هائی در جهت حل این مسأله اجتماعی که هم جهت با و ملهم از حل سوسیالیستی مسأله مسکن است، اقدامات فوری زیر می تواند مضمون مبارزه کارگران برای مسکن را در مقطع کنونی تشکیل دهد: ملی کردن زمین و اختصاص ساختمانهای دولتی مازاد بر نیاز دولت و خانه های اضافی ثروتمندان برای مسکن گزینی توده مردم، ایجاد خانه های ایمن، مناسب و بهداشتی دولتی و اجاره هم آنها به توده های مردم و کمک به تعاونیهای کارگران و زحمتکشان برای ساختن خانه»- (مسأله مسکن در ایران بهروز فرهیخته آبان 1391- آذرخش) (دو پیوست را در زیر ملاحظه نمایند.)





گرانی اجاره خانه؛ یک مسکن مهرنشین از کارافتاده را بیخانمان کرد چقدر تلخه این عکس؛ تورم و گرونی که میاد، اول زندگی نیازمندترین قشر رو درهم می پیچه- برگرفته از « یزد من»

گرانی اجاره خانه؛ یک مسکن مهرنشین از کارافتاده را بیخانمان کرد چقدر تلخه این عکس؛ تورم و گرونی که میاد، اول زندگی نیازمندترین قشر رو درهم می پیچه- برگرفته از « یزد من»

پیوست 1 و 2

خبرگزاری کمپ نیوز:

سرنوشت تلخ ۹ خانواده آلاچیق نشین در شهری

کمپ نیوز - اینجا زندگی یخ زده است، اینجا درست در وسط شلوغ ترین نقطه شهر ری، در گوشه به گوشه بوستانی که قرار بود زیر آلاچیق هایش، انسان ها در کنار عزیزان، قهقهه های شادیشان فضا را لبریز کند . به گزارش خبرگزاری برنا، وارد محوطه که شدیم، صف چادرهای پلاستیکی با رنگ های سبز شبرنگ، سفید، زرد و نارنجی برایمان خودنمایی کرد. بیرون یکی از چادرها، دختری خردسال با جعبه مقوایی خالی بازی می کرد! از پنجره آن یکی چادر، پسری 7 ساله سر بیرون کشیده و چشم به اطراف دوخته بود. کمی آن سوتر، کنار چادر زرد رنگ، پیرمردی که خود را در پتو پیچیده به میدان پر تردد نگاه می

کرد. کنار چادری دیگر، زنی جوان، در حال جا به جایی اثاث زندگیش بود، از چادری دیگر مردی جوان خارج شد تا برای چای از دستشویی پارک، آپ در کتری بیاورد. وقتی به آنجا رسیدیم، ساعت ۱۲ ظهر بود و هوا در آن روز پاییزی آبان ماه، سرد. شب ها آنجا به حتم، روی آن سنگفرش های بی فرش کف آلاچیق ها سردتر هم می شود. گام هایمان را به سمت ساکنان بی خانمان آلاچیق نشین بردیم و آنها از حکایت هایشان به ما گفتند.

آلاچیق اول: امیدی که برباد رفت

در هر یک از آلاچیق های پارک یک چادر وجود داشت و در هر چادر، خانواده ای ساکن بود. مردد انتخاب بودیم که اول سراغ کدام چادر و ساکنان آن برویم که مردی از چادر خارج شد. سوار بر موتورسیکلت خود می شد که اولین سوال را از او پرسیدیم و این گونه گفتمان با همسایگان آلاچیق نشین آغاز شد .

«ودیه مسکنمان که تمام شد دیگر نتوانستیم خانه ای پیدا کنیم، ناچار برای ادامه زندگی به همراه همسر و پسر راهی این پارک شدیم، حالا 6 ماه است در این پارک زندگی می کنیم»، اینها را مرد موتور سوار می گوید.

مرد در سپهسالار کفاش بوده که بعد از مدتی به دلیل استفاده از مواد صنعتی ساخت کفش، چشمهایش ضعیف می شود و نمی تواند به کار همیشگی اش ادامه دهد، برای امرار معاش شروع به جمع آوری لباس و کفش کهنه و فروش آنها می کند تا اینکه پسرش در حالیکه هنوز ۱۷ سال سن دارد به عنوان مامور پارکبان توسط شهرداری به کار گرفته می شود.

مرد می گوید: پسر یک شب در حال رفت و روب خیابان بود که ماشینی به او زد و بی توقف رفت. نه شهرداری پیگیر حالش شد و نه بیمه ای داشت که هزینه درمانش را بپردازد. ناچار شدم هشت میلیون تومان پول و دیعه مسکن را خرج درمانش کنم، درمانی که به خاطر کمبود پول، کامل نشد و پای پسر ناقص ماند.

بغض مرد می ترکد و چشمانش پر اشک و میگوید: بدون و دیعه مسکن بی خانمان شدیم حالا با همسر و فرزندم که پایش ناقص شده ۶ ماه است در این پارک و در میان این چادرنشین ها زندگی می کنیم.

این مهمان ناخوانده پارک درحالی که اشک همچنان از چشمانش جاری

بود و چشمانش را به پایین دوخته بود از شرمساری! ادامه داد: چه کسی زندگی در این شرایط را دوست دارد؟

آلاچیق دوم: بابا، نان ندارد

به آلاچیق بعدی می رویم، چادری نارنجی رنگ که با پتو پوشیده شده بود تا شاید گرمتر شود و کودک ساکن آن از سرما در امان بماند. چهار نفر ساکن آن بودند. یک زن، دو کودک و یک مرد.

مرد جوانی که چین و چروک های صورتش او را بسیار مسن تر از مردی ۳۷ ساله نشان می دهد از چادر بیرون می آید، اهالی چادر سر و وضع نامرتبی دارند و معلوم است که نمی توانند زود به زود حمام بروند.

مرد جوان می گوید: قبلا آرماتوربند بودم اما حالا ضایعات جمع می کنم، گاهی روزی ۱۰ یا ۲۰ تومان درآمد دارم و گاهی هیچ درآمدی ندارم، از وقتی نتوانستیم خانه اجاره کنیم به این پارک آمده ایم و ناچاریم صبح ها چادر را جمع کنیم و شب ها دوباره آن را برپا کنیم تا ماموران شهرداری بیرونمان نکنند. همسرش روسری اش را درست می کند و میان لحاف و تشک هایی که لایه ای از غبار دارد می نشیند، چشمان یشمی اش از میان صورت تکیده و سبزه به ما زل می زند، ۳۴ ساله است و حالا یک ماهی است که با همسر و فرزندانش در این چادر زندگی می کند.

زن می گوید: قبلا خانه داشتیم، کرایه و ودیعه خانه که بالا رفت دیگر توان اجاره خانه برایمان نماند و حالا اینجا چادر نشین شدیم. او از اعتیاد همسرش می گوید و اینکه بخشی از همان درآمد ناچیز شوهرش صرف خرید مورفین می شود.

زن ادامه می دهد: گاهی ماموران سازمان بازیافت بار ضایعات شوهرم را توقیف می کنند و آن روزها همین غذای بخور و نمیر را هم ندارم که به فرزندان خردسالم بدهم. استفاده از گاز پیک نیکی در پارک ممنوع است و این ممنوعیت ما را از غذای گرم محروم کرده است. اغلب تنها نان و پنیر می خوریم. زن که صحبت می کرد کودکش پشت سر هم عطسه می کرد. صورت پسرکش را پاک می کند و می گوید: اغلب سرماخورده است و اینجا هم سرد.

آلاچیق سوم: از مهاجرت به تهران تا چادر نشینی در پارک

پسر جوانی که کتری به دست از چادرش خارج شده بود تا آب برای

آماده کردن چای بیاورد نفر بعدی بود که با او به صحبت نشستیم .

۲۳ساله و اهل لرستان است، ۲ سال است ازدواج کرده ولی چندین ماه است که بیکار شده است .

جوان می گوید: قبلا خانه ای اجاره کرده بودیم و زندگی می کردیم اما بیکار که شدم دیگر توان پرداخت اجاره نبود. خانه را تخلیه کردیم. با ده میلیون ودیعه بدون هیچ پولی برای کرایه خانه ای پیدا نکردیم. دو هفته قبل راهی این پارک و زندگی در چادر شدیم. حالا هم برای پیدا کردن کار هر روز به سر خیابان می روم و همسرم در این پارک تنها می ماند.

او ادامه می دهد: خانواده ام نمی توانند کمک کنند، خودشان مشکل دارند، قبلا کمک کردند اما حالا دیگر توان مالی ندارند ...

حدود ۹ آلاچیق این پارک در نزدیکی حرم شاه عبدالعظیم به خانواده هایی اختصاص یافته که غالبا برای ادامه زندگی به چادر نشینی در آلاچیق های این بوستان روی آورده اند، غالب این چادرنشینان افرادی هستند که به دلیل محرومیت نتوانسته اند از پس پرداخت ودیعه مسکن ها و اجاره خانه های نجومی برآیند، افرادی که اگرچه عمدتا از قشر ضعیف و فرودست جامعه هستند اما همگی زمانی سرپناه داشته اند، اما حالا ناچار به زندگی در شرایط بسیار سخت و بدون تغذیه مناسب و در شرایط بهداشتی نامطلوب شده اند...

(خبرگزاری کمپ نیوز) <https://t.me/campnews1>

گزارش دوم:

در بخشی از گزارش خبرنگار اجتماعی رکنا در مورد نوع جدیدی از حاشیه نشینی:

سال گذشته درباره خانه های 6 متری در شرق تهران خبری منتشر شد، این خبر بعد از مدت کوتاهی از تب و تاب افتاد و دیگر کسی از این خانه های لانه زنبوری نگفت و آنها هم به بقای خود ادامه دادند. آن زمان شکل گیری چنین خانه هایی برای جامعه بهت برانگیز بود ولی حال با خبری تازه مواجه هستیم. اجاره اتاقی از اتاق های خانه یا عجیب تر از آن اجاره کاناپه در گوشه ای از منزل .

آیا کاهش هزینه رفت و آمد به حاشیه باعث اجاره کردن اتاق یا کاناپه می شود؟

این افراد برای رفت و آمد به حاشیه شهرها هزینه زیادی متحمل می شوند به همین دلیل با اجاره یک تخت یا کاناپه در مناطقی مانند خیابان انقلاب، بلوار کشاورز و... مشکل خود را حل می کند. اجاره یک اتاق یا کاناپه در یک خانه، خود حاشیه نشینی محسوب می شود چرا که فرد در حاشیه زندگی دیگران زندگی می کند.

تعدادی از این افراد هم از روی ناچاری تصمیم به کرایه خانه و کاناپه خانه هایشان گرفته اند و در مقابل آن افرادی هم که کرایه می کنند نیز از روی ناچاری و توان مالی به اینجا رسیده اند که می تواند معضلات اجتماعی را در برداشته باشد زیرا با فرهنگ و نوع نگاه اجتماعی در ایران هماهنگی ندارد. برخی از این افراد حتی در گرمخانه های شهرداری با کارتن خواب ها شب را به صبح می رسانند. تا صبح به موقع به کار خود برسند.



پرواز شماره ۷۵۲؛ چهار ماه بدون اجرای عدالت سپری شد



بنای یادبود جان باختگان هواپیمای اوکراینی نمادی
برای عدالتخواهی آنها خواهد بود

پانته‌آ بهرامی

پنج‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ برابر با ۷ مه ۲۰۲۰

هجدهم دی‌ماه ۱۳۹۸ دو موشک پدافند هوایی سپاه پرواز شماره ۷۵۲
هواپیمایی بین‌المللی اوکراینی را بر فراز تهران هدف گرفت و همه
۱۷۶ مسافر و خدمه آن جان باختند- AFP / Geoff Robins

در هجدهم دی‌ماه گذشته پدافند هوایی سپاه پاسداران با اعلام نکردن
منطقه پرواز ممنوع در شرایط جنگی (حمله موشکی به پایگاه نظامی
نیروهای آمریکایی در عراق)، هواپیمای مسافربری اوکراینی را مورد
هدف قرار داد و منجر به کشته شدن ۱۷۶ مسافر و خدمه آن شد. با گذشت

چهار ماه از آن واقعه دلخراش، با تحویل ندادن جعبه سیاه، تلاش مخفیانه برای امضای یک یادداشت تفاهم با اوکراین، مخالفت با تشکیل گروه بین‌المللی تحقیق، و شهید خواندن قربانیان، حکومت تلاش دارد، تا گرد فراموشی بر این فاجعه بپاشد. ازسوی دیگر، خانواده‌های قربانیان و کسانی که نمی‌خواهند به ضرورت دادخواهی و عدالت‌جویی بی‌تفاوت باشند، می‌کوشند تا با احداث بنای یادبود، نوشتن، تولید موسیقی و فیلم، جلو این فراموشی را بگیرند. جمهوری اسلامی ایران یک بار دیگر با قربانی کردن کسانی که می‌خواستند تنها زندگی کنند، درس بخوانند و به سیاست کاری نداشته باشند، تعداد مخالفان خود را افزایش داد.

بنای یادبود؛ نه برای سوگواری برای دادخواهی

قرار است در کانادا یک بنا برای یادبود ۱۷۶ جانباخته هواپیمای اوکراینی ساخته شود. در این بنا در مجموع سه نشانه اصلی وجود خواهد داشت: ۱۷۶ روزنه نور، ۱۷۶ درخت چنار، و ۱۷۶ صندلی. کامران دیبا، معمار فرهنگسرای ایران و موزه هنرهای معاصر ایران، قرار است سرپرستی گروهی از هنرمندان، از جمله باربد گلشیری و مورشین اللهیاری، را برای برپایی این بنای یادبود بر عهده گیرد.

باربد گلشیری، یکی از هنرمندان این مجموعه، بنا را این‌گونه توصیف می‌کند: «بنای عظیمی با یک باغ دورش و دیواری که دارای ۱۷۶ روزن مربع و ۱۷۶ درخت چنار است که چهار فصل ندارد.» آن بنا با یک سطح شیب‌دار، به یک خاطره‌خانه می‌رسد که داخل آن را باربد گلشیری و مورشین اللهیاری کار می‌کنند. کلیه مواد اولیه‌ای نیز که مردم در تارنماها فرستاده‌اند، از طرح، نقاشی، عکس تا موسیقی، صدا، پیام صوتی، ویدیو و غیره، در آن یافت خواهد شد. در داخل این خاطره‌خانه ۱۷۶ صندلی وجود دارد و هر یک دارای ۲۷ خشت است که روی برخی، کدهایی هست که وقتی مردم دوربین‌های گوشی‌های موبایل خود را روی آن خشت‌ها بگیرند، اشیایی را مانند لنگه کفش قرمز، نقاشی‌هایی که بچه‌ها کشیده‌اند، می‌بینند. در واقع عواملی که در خاطره جمعی مانده‌اند یا به تارنماها فرستاده شده‌اند، در پای آن خشت‌ها به صورت مجازی دیده خواهد شد.

کامران دیبا در مورد شرط پیوستن خود به آن پروژه گفته است: «شرط من این بود که ما جنبه‌های سیاسی را نمی‌خواهیم در این پروژه وارد کنیم در کارما علایم سیاسی یا محکومیت یا قضاوت یا طرفداری نیست. ما خیلی متاسفیم و نوعی نمایندگی این واقعه را داریم.»

این بنای یادبود بخشی از سوگواری است و یادبود و با عدالت رابطه مستقیمی دارد.

مجموعه این بنا نوعی خاطره‌خوانی نیز هست و مانند یک گورستان فراموش شده عمل نمی‌کند. شادی، پویایی و دادخواهی انسان‌هایی که عاشق زندگی بودند و رفتند، در قلب تپنده باغ جاری و ساری خواهد بود.

پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران به اوکراین

جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد با یک یادداشت تفاهم مستقل با اوکراین، از زیر تعهدات و مسئولیت خود در قبال قربانیان شانه خالی کند و از هزینه و پیامدهای آن بپرهیزد. هنوز هیچ گروه مستقلی برای تحقیق مستقل در مورد این سانحه تشکیل نشده است. ایران فقط خود را مسئول تحقیقات در این مورد می‌داند و از تحقیقات بین‌المللی تا به حال جلوگیری کرده است. آندره گوک، کارشناس حقوق هوانوردی بین‌المللی، در مورد محتوای یادداشت پیشنهادی دولت جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با رادیو فردا به این موارد اشاره کرده است: نخست، اوکراین نباید قبل از تحقیقات مستقل، خطای انسانی را عامل سانحه بنامد. دوم، پرداخت غرامت به خانواده‌ها موضوع مذاکرات آتی جداگانه است و جبران خسارت مالی هواپیما به پایان تحقیقات فنی محول می‌شود. سوم، اوکراین هیچ وظیفه‌ای برای ارائه اسناد فنی به ویژه اسناد خطوط هواپیمایی مائو که یک شرکت خصوصی است، به ایران ندارد. مطابق این یادداشت، ایران هیچ تعهدی برای ارائه اسناد خود به اوکراین را نمی‌پذیرد. چهارم، واگذار کردن جعبه سیاه به کارشناسان بین‌المللی.

اکنون با تعلل برای ارسال جعبه سیاه، ثابت شده است که ایران نه تمایلی به بازخوانی و نه توانایی بررسی جعبه سیاه را دارد. در این پیشنهاد نویس یادداشت تفاهم، حتی این نکته که پرداخت غرامت بر عهده کیست و چه زمانی باید به آن عمل شود روشن نشده. به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران با وقت کشی، می‌خواهد از مسئولیت شانه خالی کرده تا علت واقعی سانحه در پرده‌ای از ابهام بماند و شامل فراموشی در مرور زمان شود.

شهید خواندن جان‌باختگان پرواز اوکراینی، چرا؟

دوباره زمزمه «شهید» خواندن جان‌باختگان پرواز اوکراینی در رسانه‌های داخل ایران به گوش می‌رسد. برطبق قوانین جمهوری اسلامی

ایران، تعریف شهادت این است: «افرادی که در حین درگیری بین نیروهای مسلح و دشمن با گروه‌های معارض کشته می‌شوند، در حکم شهید هستند.» به فاصله سه روز پس از انتشار اطلاعیه ستاد کل نیروهای مسلح، بنیاد شهید از عنوان «شهید» برای جانبازان سانه هواپیمای اوکراینی استفاده کرد. مسئولان بنیاد شهید بسیار سختگیر هستند و اکنون هزاران پرونده مربوط به رزمندگان در مناطق عملیاتی وجود دارد که بنیاد حاضر به پذیرش «شهادت» آنها نشده است. با پذیرش عنوان «شهید» برای جانبازان آن حادثه، این فرضیه تقویت می‌شود که ستاد کل نیروهای مسلح توانسته است مسئولان سختگیر بنیاد شهید را متقاعد کنند که سقوط هواپیما به دلایل دیگری که «دشمن» در شکل‌گیری آن نقش داشته است، ارتباط دارد. یکی از عللی که برخی از خانواده‌ها خواسته‌اند که از فرزندان‌شان بعنوان شهید یاد شود این است که جمهوری اسلامی ایران به این وسیله از مسئولیت خود برای نبستن فرودگاه‌های کشور در شرایط جنگی شانه خالی می‌کند و خطای خود را برای این حادثه دلخراش نمی‌پذیرد.

روزشمار رویدادهای کارگری در ایران: بهمن 1398

از انتشارات نهادهای همبستگی با کارگران در ایران
- خارج کشور

تهیه و تنظیم توسط

فعالین نهادهای همبستگی با کارگران در ایران -
کلن

(11)

[در اینجا کلیک کنید](#)

دولت باید از همه راه‌های ممکن امکان مبارزه قطعی با کرونا را فراهم سازد!



❑ بیانیه اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

مردم شریف ایران!

بهر دلیلی ویروس مهاجم و خطرناک، ناخوانده در میهن ما جا خوش کرده و جان مردم بی دفاع را در معرض نابودی قرار داده است. کرونا به سرعت هر چه تمامتر در سراسر ایران گسترش یافته و می‌رود که جامعه‌ی فقرزده‌ی ما که آسیب دیده از تحریم دشمن خارجی و سیاست‌های اقتصادی مسوولان کشور و دزدی‌ها و اختلاس‌ها، رنج فراوان دیده را آن‌چنان مشغول سازد که میلیون‌ها نفر از ادامه زندگی طبیعی محروم گردند.

تشوش و نگرانی - آمیخته با ترس و ناامنی از شیوع ویروس کرونا و نیز بی‌اعتمادی ناشی از رفتارهای متناقض و دروغ‌پردازی مسوولان، بستر مناسبی برای گسترش این بیماری و کنترل ناپذیری آن فراهم می‌آورد.

براساس آمار منابع حکومتی تا روز جمعه نهم اسفند ماه، 388 نفر به این ویروس آلوده و 34 تن از آنان فوت کرده‌اند. البته آمار غیر

رسمی تعداد قربانیان این بیماری هولناک را بیش از دویست و ده نفر و شمار مبتلایان را هزاران نفر برآورد کرده است.

دایره مبتلایان و قربانیان این ویروس از بین پزشکان و پرستاران بیانگر این واقعیت است که این زحمتکشان به رغم فداکاری و از جانگذشتگی هایشان، از شرایط مناسب و امکانات لازم از قبیل تجهیزات ایمنی، نظیر ماسک، الکل، گان و سایر اقلام ضروری برای درمان بیماران محروم اند.

میلیون ها نفر در ایران فاقد پوشش بیمه ی درمانی هستند، میلیون ها نفر بیکار و فاقد درآمد، میلیون ها نفر با حداقل درآمد و میلیون ها نفر در مشاغل کارمزدی و روزمزدی بدون قراردادهای معتبر و نیز جمعیت فراوانی خویش فرما هستند و درآمدهای آنها در شرایط بحران برابر صفر خواهد شد. این درحالیست که گروهی از مردم از نوجوان و کودکان کار و خیابان تا جوانان و میانسالان دستفروش دوره گرد، در اتوبوس ها و قطار های شهری و همچنین رانندگان تاکسی و اتوبوس مستقیماً در معرض آلودگی هستند و ضمن بی دفاعی مطلق، می توانند ناقلین بی گناه این ویروس باشند.

در چنین شرایطی، وظیفه دولت فراهم کردن بسته های حمایتی درمانی برای مردم است تا بتوانند در مقابل این دشمن جان ها، از خود دفاع کنند.

مردم شریف ایران!

دولت موظف است که به اجرای فوری هر آنچه "سیاست های تخفیفی" شمرده می شود اقدام کند، مانند اجرای قرنطینه، اجرای آموزش های موثر و بهنگام و توزیع امکاناتی که به اقدامات پیشگیرانه در برابر ویروس کرونا منجر می شود.

بدون اقدامات حمایتی از مردم بی دفاع در برابر ویروس کرونا، هر گونه ادعای شکست دادن این بیماری پوچ و فریبکارانه است.

به همین منظور ما در «اتحاد سراسری بازنشستگان ایران» به عنوان بخشی از مردم نگران جامعه، ضروری می دانیم وظایف دولت را در برابر مردم گوشزد کنیم که عبارتند از:

1- تشکیل ستادی فارغ از هرگونه نگاه امنیتی و سیاسی و عقیدتی به موضوع بحران کرونا که باید در اختیار پزشکان و متخصصان امر

بهداشت و درمان در حوزه بیماری های واگیردار قرار گیرد و بودجه لازم در این مورد به این ستاد تخصیص داده شود.

2- ستاد مدیریت کرونا برای مقابله با این بحران که اختیار تام، برای کنترل ویروس از طریق قرنطینه شهرها و تعطیلی اماکن عمومی پرخطر و مستعد انتشار ویروس را داشته باشد.

3- از آن جا که اقشار کم درآمد به دلیل سوء تغذیه از ایمنی بالایی برای مقابله با این ویروس برخوردار نیستند، دولت موظف است با تمهیدات حمایتی به تقویت بنیه مالی و تامین معیشت آنها اقدام فوری به عمل آورد.

4- زندانیان و سربازان پادگان ها در برابر ابتلا به بیماری کرونا آسیب پذیرترند حفظ سلامتی و جان آنها برعهده دولت است. حاکمیت اسلامی باید هرچه زودتر نسبت به آزادی و ترخیص زندانیان سیاسی اقدام کند و شرایط فوقالعاده را برای تامین حداکثری ویروس زدایی از زندان ها و پادگان ها و حفظ سلامت و جان سربازان و زندانیان، بهر طریق ممکن فراهم آورد.

5- بی شک اشاعه ویروس کرونا علاوه بر تهدید جان انسان ها، حیات روانی جامعه را نیز به مخاطره انداخته است. حکومت موظف است با تشکیل کارگروه های روانپزشکی و مددکاری اجتماعی و تجهیز آنها به امکان دسترسی آسان به رسانه های دیداری و شنیداری صدا و سیما، نسبت به کاهش عوارض روانی و ایجاد فضایی امن و آرام، امکان همکاری آگاهانه و بی اضطراب مردم را برای مقابله با این شرایط بحرانی فراهم سازد .

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

دهم اسفند 1398